

2025

کاملترین تدریس خط به خط

کتاب اشتارتن ویا

A1

LEKTION 1



EINLEITUNG مقدمه

Lektion 1: درس اول: عالیم
Super

Lektion 2: افراد: دوم:
Menschen.

Lektion 3: Essen und درس سوم: غذا خوردن و نوشیدن
trinken.

Lektion 4: Mein درس چهارم: زندگی من.
Leben

Lektion 5: درس پنجم: اوقات فراغت.
Freizeit.

Lektion 6: Meine Stadt, meine درس ششم: شهر من، آپارتمان من.
Wohnung.

Lektion 7: Wie, wo und درس هفتم: چطوری، کجا و کی؟
wann?

Lektion 8: Unterwegs! درس هشتم: در راه / در مسیر.

Lektion 9: Unter درس نهم: در میان دوستان
Freunden.

Lektion 10: Ich war noch درس دهم: من تا حالا هرگز ... نبوده ام/نرفته ام.....
nie.

Lektion 11: Bist du fit? درس یازدهم: سرحال هستی؟ آماده ای؟

Lektion 12: Beruf und درس دوازدهم: شغل و زندگی
Leben

دانشجوی عزیز

ممنونم که دعوت من را به مطالعه این دوره پذیرفتید. بعد از مطالعه جزوه تمرین تمرین را فراموش نکنید.

در شروع هر درس مطالب جدید گرامری و واژگان یادداشت شده و با استفاده از فایل‌های شنیداری کتاب روی مهارت شنیداریتون کار بکنید.

لطفا برای یادگیری این جزوه و دوره زمان و مکان مناسبی را انتخاب کنید. هر جا نیاز بود شما را توسط بارکد به سایت هدایت کردم تا اونجا بتونی بیشتر یادش بگیری.

در پایان خواهش دارم نظراتتان را به گوش من برسانید. (اینستاگرام ، سایت؛)

مدرس زبان آلمانی

مجتبی نوا



EINLEITUNG

کتاب اشتارتن ویا A1 یکی از محبوب‌ترین منابع آموزش زبان آلمانی برای نوآموزان است که بر پایه‌ی نیازهای واقعی زبان‌آموزان طراحی شده است. این کتاب با ساختار منظم، تصاویر گویا و تمرین‌های متنوع، مهارت‌های اصلی زبان یعنی شنیداری، گفتاری، نوشتاری و خوانداری را به شیوه‌ای تعاملی آموزش می‌دهد. مطالب آن به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که زبان‌آموز به تدریج و بدون فشار، واژگان و ساختارهای پایه‌ای زبان آلمانی را یاد می‌گیرد.

در این جزوه، که توسط **تیم آکادمی آلمانی زبان** تهیه شده است، تمامی دروس کتاب اشتارتن ویا A1 به صورت ساده، قابل فهم و کاملاً فارسی‌سازی شده آموزش داده شده‌اند. برای هر درس، واژگان مهم، نکات گرامری، تمرین‌های کلیدی و جمله‌سازی‌ها به‌طور دقیق بررسی شده‌اند تا یادگیری برای زبان‌آموزان فارسی‌زبان آسان‌تر شود. هدف این جزوه، ایجاد پایه‌ای محکم برای ادامه مسیر آموزش زبان آلمانی و آمادگی برای آزمون‌های بین‌المللی مانند Start Deutsch 1 یا A1 است.

برای استفاده بهتر از این کتاب، حتماً نکات زیر با دقت مطالعه کن:

- برای توضیحات بیشتر در کنار برخی ساختار جملات



یک علامت میبینی که اگر QR

CODE اسکن کنی، به یک مقاله در سایت هدایت میشی و می‌تونی بیشتر یاد بگیری.



Superi

عاليم:

LEKTION 1

GRAMMATIK
حروف الفبای زبان آلمانی:

Ã Aa	ب Bb	تسه Cc	د Dd	ا Ee	ف Ff	گ Gg	ها Hh
ای Ii	ژ یُت Jj	کا Kk	لِ لِ Ll	مِ Mm	نِ Nn	اُ Oo	پ Pp
کو Qq	رِ Rr	سِ Ss	تِ Tt	او Uu	فَاو Vv	و Ww	ایکس Xx
اُپسیلُن Yy	تست Zz	اُ تلفظی بین «ا» و «ه»	اُ تلفظی بین «او» و «ه»	آ ä ا	ß=SS اس تست		

حروف صدادار در زبان آلمانی:

در زبان آلمانی 8 حرف اصلی صدادار وجود دارد:

A – E – I – O – U و حروف Ä – Ö – Ü

WORTSCHATZ
واژگان و افعال درس اول:

Hallo	سلام
ich	من
du	تو
er	او مذکر
es	او خنثی
sie	او مؤنث
wir	ما
ihr	شماها (توهای دوستانه)
Sie	شما محترمانه
sie	آن ها
sein	بودن
hören	گوش کردن
heißen	نامیده شدن
Wie	چطور
wer	چه کسی
Wie heißt das Lied?	اسم ترانه چیه؟
kennen	دانستن



Wer bist du?	تو کی هستی؟
ich heiße ...	اسم من ...ه
Ich bin Nicole.	من نیگل هستم.
kreuzen Sie an	ضربدر بنید
die Namen	اسامی
Guten Tag	روز بخیر
noch einmal	یکبار دیگر
Guten Morgen	صبح بخیر
Guten Abend	عصر بخیر
Ich komme aus ...	من اهل کشور ... هستم.
kommen	آمدن
sagen	گفتن
ordnen Sie zu	مرتب کنید (مرتبط کنید)
Woher	از کجا
Woher kommst du?	اهل کجا هستی؟
Woher kommen Sie?	اهل کجا هستید؟
wiederholen	تکرار کردن
Ja	بله
nein	خیر
Du kommst aus Deutschland?	تو اهل آلمانی؟
Mexiko	مکزیک
Deutschland	آلمان
Schweiz	سوئیس
Österreich	اتریش
Spanien	اسپانیا
Iran	ایران
Frankreich	فرانسه
Türkei	ترکیه
Wie geht's?	حالت چگونه؟
Gut, danke!	خوبم، ممنونم!
Wie geht's Ihnen?	حالتون چگونه؟ (محترمانه)
Wie geht's dir?	حالت چگونه؟ (دوستانه)
Das ist Paco.	اون پاکو هست.
Herr	آقا
Frau	خانم / زن



Super!

عالیم!

Er kommt aus Mexiko	او(مذکر) اهل مکزیکه.
Auf Wiedersehen	خدانگهدار
Gute Nacht	شب بخیر
Tschüs	خدانگهدار
Familienname	نام خانوادگی
Vorname	نام کوچک
arbeiten	کار کردن
üben	تمرین کردن
noch einmal	یکبار دیگه
ergänzen	کامل کردن
Sehr gut, danke!	خیلی خوبم، ممنونم!
Es geht.	بد نیستم.
Nicht so gut.	خوب نیستم.
Das Alphabet	حروف الفبا
Mein Name ist ...	اسم من ه
Wie bitte?	چه گفتید؟
buchstabieren	هجی کردن
Begrüßung	سلام و احوال پرسى
Abschied	خدا حافظى
fragen	سوال پرسیدن
antworten	پاسخ دادن
Verb	فعل
Vorname	نام کوچک
Nachname	نام خانوادگی
Der Deutschkurs	کلاس آلمانی
Das Meeting	جلسه
Das ist	اون هست/اون ... ه
Entschuldigung	معذرت می خوام/ببخشید
Danke!	متشکرم!
Stellen Sie sich, bitte!	لطفا خودتونو معرفی کنید!
Das Taxi	تاکسى
Der Kaffee	قهوه
Die Pizza	پیتزا
Die Tomate	گوجه
Die Jeans	شلوار جین





Das Auto	اتومبیل
Die Bluse	بلوز
Das Müsli	موسلی
Der Tee	چای
Das Bier	آبجو
Die Jacke	کاپشن
Der Bus	اتوبوس
Der Computer	کامپیوتر
Wer ist das?	اون کیه؟
Die Stadt	شهر
Das Land	حومه شهر
die Schweiz	سوئیس
Italien	ایتالیا
Spanien	اسپانیا
Polen	لهستان
Griechenland	یونان
Deutschland	آلمان
Österreich	اتریش
Rom	شهر رم
Warschau	ورشو (پایتخت لهستان)
Bern	شهر برن (پایتخت سوئیس)
Berlin	برلین - پایتخت آلمان
Madrid	مادرید (پایتخت اسپانیا)
Athen	شهر آتن (پایتخت یونان)
Wien	شهر وین (پایتخت اتریش)
er	او مذکر
sie	او مؤنث
Englisch	زبان انگلیسی
Russisch	زبان روسی
ein bisschen	یکمی
Gut	خوب
Sehr gut	خیلی خوب
Da	اونجا
Studieren	تحصیل کردن



Super!

عاليم!

die Handynummer	شماره تلفن همراه
-----------------	------------------

صرف افعال:

sein	wohnen	Kommen	möchten	sprechen	heißen
ich bin	ich wohne	ich komme	ich möchte	ich spreche	ich heiße
du bist	du wohnst	du kommst	du möchtest	du sprichst	du heißt
er.es.sie ist	er.es.sie wohnt	er.es.sie kommt	er.es.sie möchtet	er.es.sie spricht	er.es.sie heißt
wir sind	wir wohnen	wir kommen	wir möchten	wir sprechen	wir heißen
ihr seid	ihr wohnt	ihr kommt	ihr möchtet	ihr spricht	ihr heißt
Sie.sie sind	Sie.sie wohnen	Sie.sie kommen	Sie.sie möchten	Sie.sie sprechen	Sie.sie heißen

Ich bin Journalistin.

من خبرنگار هستم.

LEKTION 2

GRAMMATIK

1. برای پرسیدن شغل از یک فرد از جمله زیر استفاده می کنیم:

Was machen Sie / machst du beruflich?

Was sind Sie / bist du von Beruf?

شغلت چیه؟ چیکار میکنی؟

نکته: برای گفتن جملات محترمانه کافیست ضمیر Sie رو جایگزین du بکنیم و فعل صرف کنیم.

2. برای بیان شغل از جمله زیر استفاده می کنیم :

عنوان شغل + Ich bin

(من ... هستم)

Ich bin Journalistin.

من خبرنگار هستم.

یا

عنوان شغل + Ich arbeite als

(من کار می کنم به عنوان)

Ich arbeite als Journalistin.

من به عنوان خبرنگار کار میکنم.

Ich mache ein Praktikum bei ... / als ...

من یک دوره کارآموزی رو در ... / به عنوان انجام میدم.

Ich mache eine Ausbildung bei ... / als ...

من یک دوره کارآموزی رو در ... / به عنوان انجام میدم.

Ich habe einen Job als ...

من یک شغل بعنوان دارم.

اگر بخواهیم بگیم: من در فلان شرکت/کارخونه/موسسه کار میکنم:

اسم مکان + Ich arbeite bei

Ich arbeite bei B.M.W.

من در bmw کار می کنم.

3. برای بیان متاهل یا مجرد بودن از این جمله استفاده می کنیم:

Ich bin (verheiratet).

من متاهل هستم.

4. منفی کردن جمله با واژه **nicht**:

گاهی اوقات نیاز به جمله رو منفی کنیم. منفی کردن جمله با واژه **nicht** در این درس یاد خواهید گرفت.

Ich bin verheiratet.

من متاهل هستم.

حالا منفیش کنیم:

Ich bin **nicht** verheiratet.

من متاهل نیستم.

5. منفی کردن جمله با واژه **kein/keine**:

در آلمانی برای **منفی کردن اسم ها** (Substantive) وقتی آرטיکل **نامعین** دارند یا اصلاً ندارند، از **kein / keine** استفاده می کنیم. این روش جایگزین **nicht** برای اسم هاست.

6. جمع اسامی در زبان آلمانی:

در زبان آلمانی وقتی یک اسم جمع می بینیم، یعنی مثلاً می گیم **دو تا بچه**، خود اسم بچه رو به صورت جمع بیان می کنیم:

Ich habe zwei Kinder.

من دو تا بچه دارم.

7. برای پرسیدن سن یک شخص از جمله زیر استفاده می کنیم:

Wie alt bist du?

چند سالته؟ / چند سال داری؟

Ich bin 34 Jahre alt.

من 24 ساله.

نکته: عناوین اسامی مشاغل در زبان آلمانی در جدول واژگان درس دوم آورده شده است.

WORTSCHATZ
جدول واژگان درس دوم:

Journalist	خبرنگار مرد
Journalistin	خبرنگار زن
Diplom-Informatiker	تحصیلات عالی دانشگاهی در رشته‌ی علوم کامپیوتر
meinen	منظور داشتن / مقصود داشتن
die Fotos	تصاویر
die Visitenkarten	کارت های ویزیت
Das glaube ich	من اینو باور دارم / من اینو فکر می‌کنم
Hörtext	متن شنیداری
der Beruf	شغل
Die Persönliches	امور شخصی
sprechen	صحبت کردن
verheiratet	متاهل
Internet-Profil	پروفایل اینترنتی
Der Steckbrief	زندگی‌نامه‌ی کوتاه
Der Text	متن
Schreiben	نوشتن
Familienstand	وضعیت تأهل / وضعیت خانوادگی
Die Zahlen	اعداد
Konjugation	صرف فعل
Singular	مفرد
Plural	جمع
haben	داشتن
arbeiten	کار کردن

Negation	منفی کردن جمله
Wortbildung	ساختن کلمه
Der Ingenieur	مهندس مرد
Die Ingenieurin	مهندس زن
Der Mechatroniker	مهندس/تکنسین مکاترونیک مرد
Die Mechatronikerin	مهندس/تکنسین مکاترونیک زن
Der Schauspieler	بازیگر مرد
Die Schauspielerin	بازیگر زن
Der Student	دانشجو مرد
Die Studentin	دانشجو زن
Der Friseur	آرایشگر مرد
Die Friseurin	آرایشگر زن
Der Architekt	مهندس معمارمرد
Die Architektin	مهندس معمار زن
Der Historiker	تاریخ دان مرد
Die Historikerin	تاریخ دان زن
Der Arzt	پزشک مرد
Die Ärztin	پزشک زن
Der Sekretär	منشی مرد
Die Sekretärin	منشی زن
Der Lehrer	معلم مرد
Die Lehrerin	معلم زن
Der Verkäufer	فروشنده مرد
Die Verkäuferin	فروشنده زن
Der Kellner	گارسون مرد
Die Kellnerin	گارسون زن

Die Ausbildung	دوره کارآموزی
suchen	جستجو کردن
die Kärtchen	کارت های کوچک
Das Praktikum	دوره کارآموزی
geschieden	طلاق گرفته / جداشده
leben	زندگی کردن
zusammen	باهم
das Kind	بچه
Single	مجرد
Allein	تنها
richtig	صحیح
gemeinsam	به طورمشترک
null	0
eins	1
zwei	2
drei	3
vier	4
fünf	5
sechs	6
sieben	7
acht	8
neun	9
zehn	10
elf	11
zwölf	12
dreizehn	13

vierzehn	14
fünfzehn	15
sechzehn	16
siebzehn	17
achtzehn	18
neunzehn	19
Zwanzig	20
Alter	سن
Wo	کجا
Wohnort	محل سکونت
Herkunft	ملیت
Arbeitgeber	کارفرما

صرف افعال درس دوم:

haben	Arbeiten	machen	Wohnen
ich habe	ich arbeite	ich mache	ich wohne
du hast	du arbeitest	du machst	du wohnst
er.es.sie hat	er.es.sie arbeitet	er.es.sie macht	er.es.sie wohnt
wir haben	wir arbeiten	wir machen	wir wohnen
ihr habt	ihr arbeitet	ihr macht	ihr wohnt
Sie.sie haben	Sie.sie arbeiten	Sie.sie machen	Sie.sie wohnen

Das ist meine Mutter.

آن مادر من است.

LEKTION 3

ALMANIZABAN.COM

Das ist meine Mutter.

آن مادر من است.

ALMANIZABAN.COM



ALMANIZABAN.COM

Der Tisch ist schön.

میز فشنگ است.

LEKTION 4



میز قشنگ است.

Der Tisch ist schön.

WORTSCHATZ

معنی	واژه



Der Tisch ist schön.

میز قشنگ است.

ALMANIZABAN.COM



میز قشنگ است.

Der Tisch ist schön.

ALMANIZABAN.COM



Was ist das? – Das ist ein F.

آن چیه؟ آن یک F است.

LEKTION 5

آن چیه؟ - آن یک است.

Was ist das? – Das ist ein F.

ALMANIZABAN.COM

[illegible]

[illegible]

Ich brauche kein Büro.

من به دفترکار نیازی ندارم.

LEKTION 5

WORTSCHATZ

[illegible]



Ich brauche kein Büro.

من به دفترکار نیازی ندارم.

ALMANIZABAN.COM





ALMANIZABAN.COM

Du kannst wirklich toll ...!

تۆمى تۈنى واقعا عالي ...!

LEKTION 6

Eine Wohnung/ein Haus mieten یک آپارتمان/خانه اجاره کردن



برای دیدن یک خانه به منظور اجاره که در یک آگهی روزنامه دیدید و به شماره ای که توی آگهی دیدید تماس میگیرید و صحبت می کنید:



+ Frau Milan: Guten Tag. Mein Name ist Sandra Milan. Ich suche eine Wohnung und rufe Sie wegen der folgenden Anzeige an.

سلام. من ساندرا میلان هستم. من دنبال یک آپارتمان هستم و به خاطر آگهی زیر به شما تلفن می‌زنم.

نکته: حرف اضافه wegen به معنی: 'به خاطر' و یک حرف اضافه گنتیوسازه. اگر گنتیو بلد نیستی کد زیر اسکن کن:



Das ist die Anzeige noch aktuell?

آیا این آگهی هنوز جاری است؟

- Herr Meier: Ja, mein Name ist Flix Meier.

بله. نام من فلیکس مایر هست.

+ Frau Milan: Haben Sie momentan Zeit, ein paar Fragen kurz zu beantworten?

آیا در حال حاضر وقت دارید تا چند سوال را به صورت خلاصه پاسخ دهید؟

سه تا نکته: ★

1. برای گفتن 'در حال حاضر' بهتره از واژه momentan استفاده کنید.

2. تفاوتی وجود داره بین: ein paar و ein paar ... :

ein paar => Pronomen ی چند تایی => ضمیر

ein Paar => اسم => جفت، زوج

3. اگر گرامر infinitiv zu رو نمی دونی، عکس زیر رو اسکن کنید:



- Herr Meier: wir können jetzt sprechen.



ما می‌توانیم الان صحبت کنیم.

+ Frau Milan: Könnten Sie bitte sagen, wo sich die Wohnung befindet?

آیا ممکن است به من بگویید که آپارتمان کجا قرار دارد؟

★ نکته: با استفاده از indirekte Fragen می‌توانید سوالات مودبانه تری بپرسید. برای مشاهده گرامر indirekte Fragen عکس زیر را اسکن کنید:



- Herr Meier: Der Ort befindet sich im Nordwesten von Innsbruck. Es besteht eine exzellente Anbindung an das öffentliche Verkehrsnetz.

این مکان در شمال غرب اینزبروک قرار دارد. ارتباط عالی با شبکه حمل و نقل عمومی وجود دارد.

★ نکته: فعل bestehen در اینجا به معنی: وجود داشتن
مثلاً:

Es besteht die Gefahr dass, ...

این خطر وجود دارد، که

Schulen, Kindereinrichtungen, Cafés, Reisebüros, Apotheken, Gaststätten. Ein Ärztehaus, ein Wochenmarkt sowie Geschäfte aller Art sind in unmittelbarer Nähe.

مدارس، مراکز مراقبت از کودک، کافه ها، آژانس های مسافرتی، داروخانه ها، رستوران ها. یک مجتمع پزشکی، بازار هفتگی و فروشگاه های مختلف در نزدیکی مکان هستند.

★ نکته: عبارت in unmittelbarer Nähe به معنی: در مجاورت.

کلمه sowie دو تا کاربرد دارد:

1. قید modal به معنی: در هر حال

2. یک Konjunktion به معنی: همچنین

+ Frau Milan: Oh, klingt schön. Wie groß ist die Wohnung?

اوه، به نظر قشنگ می‌آید. متراژ آپارتمان چقدر است؟

★ برای بیان متراژ از این عبارت استفاده می‌شود:

Wie groß ist ?

- Herr Meier: Die wohnfläche beträgt ca. 35,9 m².



فضای نشیمن تقریباً 35.9 متر مربع است.

★ فعل **betragen** به معنی: بالغ بودن بر / به ، کاربردهای زیادی دارد.

Wie viel beträgt die Miete monatlich?

اجاره ماهیانه چقدر می شود؟

+ Frau Milan: Gibt es ein Bad und eine Küche?

آیا حمام و آشپزخانه وجود دارد(داره)؟

- Herr Meier: ja natürlich. Die Ausstattung der Wohnung ist gut:

Bad mit Badewanne, Bodenfliesen, Elektro komplett, malermäßiger Zustand, PVC-Belag ,
Einbauküche mit Elektroherd und kühltschrank.

بله مطمئناً. تجهیزات آپارتمان خوب است:

حمام با وان، کفپوشهای سرامیکی، سیستم کامل برق، وضعیت نقاشی شده، پوشش PVC، آشپزخانه دارای
اجاق برقی و یخچال.

Die wände und der Fußboden wurden vor einem Jahr komplett renoviert.

دیوارها و کف اتاق یکسال پیش کاملاً بازسازی شدند.

★ حالت جمله بالا مجهول و فرمول زیر دارد:

.... wurden + + Partizip Perfekt.

برای مشاهده گرامر مجهول عکس زیر را اسکن کنید:



+ Frau Milan: Gibt es eine Spülmaschine und eine Waschmaschine?

آیا ماشین ظرفشویی و لباسشویی وجود دارد(داره)؟

- Herr Meier: Leider nicht. Aber im Keller stehen drei Waschmaschinen und zwei Trockner.

متأسفانه خیر. اما در زیرزمین سه ماشین لباسشویی و دو ماشین خشک کننده وجود دارد.

★ نکته: وقتی می خواهیم بگیم: قرار داره(ایستاده/عمودی) از فعل **stehen** که داتیوی هست استفاده می کنیم.

+ Frau Milan: Gibt es eine Garage oder einen Stellplatz?

آیا یک گاراژ یا مکان پارک خودرو وجود دارد؟



- Herr Meier: Ja. Es gibt einen Stellplatz.

بله، یک جای پارک وجود دارد.

+ Frau Milan: Wie hoch ist die Miete für den Stellplatz?

اجاره پارکینگ چقدر است؟

★ نکته: برای بیان اجاره فلان چیز چقدره، میتونیم از این عبارت استفاده کنیم:

Wie hoch ist die Miete für?

- Herr Meier: Die Miete für den Stellplatz beträgt 30 Euro pro Monat.

اجاره پارکینگ ماهیانه 30 یورو می باشد.

+ Frau Milan: Okay. Gibt es auch einen Balkon?

اکی. آیا بالکن هم دارد؟

- Herr Meier: Der Balkon ist groß und befindet sich auf der Südseite.

بالکن بزرگ است و در طرف جنوبی واقع شده است.

+ Frau Milan: In welchem Stockwerk liegt die Wohnung?

آپارتمان در کدام طبقه قرار هست؟

- Herr Meier: Die Wohnung liegt im vierten Stock.

آپارتمان در طبقه سوم هست.

★ نکته: برای بیان : فلان آپارتمان در طبقه اول/دوم /سوم / قرار دارد:

.... im ersten/zweiten/dritten/.... Stock

+ Frau Milan: Gibt es einen Aufzug im Haus?

آیا در ساختمان آسانسور وجود دارد؟

- Herr Meier: Nein, es gibt nur eine Treppe.

نه، فقط یک راه پله وجود دارد.

+ Frau Milan: Wie hoch ist die Gesamtmiete?

مجموع پرداخت کلی ماهانه اجاره چقدره؟

★ نکته: در اجاره نامه باید فهرست کلیه مخارج ماهانه هزینه های اضافی (Nebenkosten) و هر مخارج اضافه

دیگری مثل هزینه محوطه پارکینگ یا گاراژ قید شده و پرداخت کلی ماهانه (Gesamtmiete) محاسبه شده

باشدو به شما فهرست دقیقی از مواردی که Nebenkosten را تشکیل می دهند داده خواهد شد مثل هزینه سرایدار (Hausmeister) رسیدگی به ساختمان و محوطه آسانسور روشنایی راهروها و رسیدگی به آنتن های ساختمان. حتماً تا کنون برایتان روشن شده است که اجاره بهای پایه فقط عددی اولیه است و شما باید برای هر ویژگی و امکانات اضافه جداگانه پول پرداخت کنید!

- Herr Meier: Die Kaltmiete beträgt monatlich 248 Euro.

اجاره سرد(اجاره خانه بدون احتساب هزینه های جانبی) 248 یورو در ماه است.

Die Nebenkosten betragen 46 Euro.

هزینه اضافی 46 یورو است.

Dazu gehören Strom, kaltes Wasser, warmes Wasser, Abwasser und die Müllabfuhr.

این شامل برق، آب سرد، آب گرم، فاضلاب و جمع آوری زباله است.

+ Frau Milan: Welche Heizungsart hat die Wohnung?

آپارتمان چه نوع گرمایشی دارد؟

★ نکته: 'چه نوع...' در زبان آلمانی همیشه : art-

- Herr Meier: Die Wohnung hat eine Zentralheizung.

آپارتمان دارای گرمایش مرکزی است.

+ Frau Milan: Wie hoch sind die Heizkosten?

هزینه های گرمایش چقدر است؟

- Herr Meier: Die Heizkosten betragen 40 Euro pro Monat.

هزینه گرمایش 40 یورو در ماه است.

+ Frau Milan: Soll ich eine Kautions zahlen?

آیا باید وثیقه پرداخت کنم؟

- Herr Meier: ja. Die Kautions beträgt 630 Euro, aber Sie können die Kautions in drei Raten zahlen:

بله. مبلغ ودیعه 630 یورو می باشد، اما شما می توانید ودیعه را در سه قسط پرداخت کنید:

★ نکته: عبارت ' فلان چیز در چند قسط پرداخت کردن ' به آلمانی:

... in drei Raten zahlen

210 Euro die ersten drei Monate.

210 یورو برای سه ماه اول.

+ Frau Milan: Ab wann es die Wohnung bezugsfrei?

از چه زمانی امکان تحویل آپارتمان وجود دارد؟

- Herr Meier: Ab sofort.

از این لحظه به بعد.

+ Frau Milan: Okay. Was Haustiere betrifft, darf ich mit einem Hund wohnen?

باشد. در مورد حیوانات خانگی، آیا می توانم با سگم زندگی کنم؟

Er ist sehr ruhig und freundlich. Er wird nichts kaputt machen.

او بسیار آرام و صمیمی است. او چیزی را نمی شکند.

- Herr Meier: Die Haustiere sind nur noch Vereinbarung erlaubt.

حیوانات خانگی فقط با توافق مجاز هستند.

Bringen Sie Ihren Hund mit und wir werden eine Entscheidung treffen.

سگ خود را بیاورید و ما تصمیم خواهیم گرفت.

★ نکته: فعل treffen بیش از 30 تا معنی داره: در اینجا eine Entscheidung treffen یعنی: یک تصمیم اتخاذ کردن

+ Frau Milan: Gut. An welchem Tag können wir einen Besichtigungstermin vereinbaren?

خوبه. در چه روزی می توانیم قرار ملاقات بگذاریم؟

- Herr Meier: An diesem Donnerstag um 10 Uhr passt es Ihnen?

این پنجشنبه ساعت 10 صبح برای شما مناسب است؟

★ نکته: حرف اضافه 'روز/ تاریخ' در زبان آلمانی: an
مثال:

An einem Donnerstag

در یک سه شنبه

+ Frau Milan: Leider nicht. Ich habe Deutschunterricht.

متأسفانه نه. من درس زبان آلمانی دارم.

Vielleicht haben Sie Zeit am Freitagnachmittag?

شاید بعدازظهر جمعه وقت دارید؟

- Herr Meier: Ja, ich habe Zeit um 16 Uhr.

بله، ساعت 4 بعد از ظهر وقت دارم.

+ Frau Milan: Super. Dann komme ich um 16 Uhr.

عالیه. بعد ساعت 4 بعد از ظهر میام.

- Herr Meier: Gut. Dann bis Freitag.

خوب. بعد جمعه میبینمتون.

+ Frau Milan: Vielen Dank. Tschüss.

خیلی ممنون. خدانگهدار.

خانم میلان در ساعت 16 روز جمعه به قرار ملاقات میره:

Am Freitag um 16 Uhr

+ Frau Milan: Guten Tag, Herr Meier. Ich bin Frau Milan und würde mir gerne die Wohnung ansehen.

سلام آقای مایر. من خانم میلان هستم و می خواهم نگاهی به آپارتمان ببندازم.

★ نکته: فعل **sich ansehen** در اینجا بمعنی: دیدن کردن از

- Herr Meier: Hallo Frau Milan. Ich freue mich, Sie zu sehen. Kommen Sie doch bitte herein.

سلام خانم میلان. از دیدن شما خوشحالم. لطفا وارد شوید.

+ Frau Milan: Danke schön.

خیلی ممنون.

- Herr Meier: Das ist der Flur. Er ist leider nicht sehr groß, aber es gibt genug platz für einen Kleiderschrank.

این راهرو است. متأسفانه خیلی بزرگ نیست، اما فضای کافی برای کمد لباس وجود دارد.

Hier gegenüber ist das Wohnzimmer. Es ist sehr gemütlich und hell. Es gibt einen Balkon. Er ist sehr geräumig und sonnig.

روبروی اینجا اتاق نشیمن است. بسیار دنج و روشن است. بالکن وجود دارد. بسیار جادار و آفتابگیر است.

+ Frau Milan: Sehr schön.

خیلی خوبه.

- Herr Meier: Das Wohnzimmer ist groß genug.

اتاق نشیمن به اندازه کافی بزرگ است.

Hier werden ein Bett, ein Schreibtisch, ein Wäscheschrank und ein Sessel bequem hineinpassen.

یک تخت، یک میز، یک کمد لباس و یک صندلی راحتی در اینجا جای می گیرند.

Das große Fenster gibt dem Raum viel Licht.

پنجره بزرگ به اتاق نور زیادی می دهد.

+ Frau Milan: Ja, das stimmt. Das Zimmer ist viel heller und freundlicher als in meiner jetzigen Wohnung.

بله، درست است. اتاق بسیار روشن تر و دوستانه تر از آپارتمان فعلی من است.

Ist das hier die Küche? Sie ist auch nicht groß.

این آشپزخانه است؟ اون هم بزرگ نیست.

- Herr Meier: Ja. Aber ein Esstisch und ein paar Küchenstühle passen leicht hinein.

بله. اما یک میز ناهارخوری و چند صندلی آشپزخانه به راحتی جا می شوند.

★ نکته: فعل **hineinpassen** در اینجا به معنی: جا گرفتن در

Außerdem gibt es eine Einbauküche mit einem Kühlschrank und einem Elektroherd.

یک آشپزخانه مجهز با یخچال و اجاق گاز برقی نیز وجود دارد.

+ Frau Milan: Ist das hier das Badezimmer?

این حمومیه؟

- Herr Meier: Ja. Das ist das Badezimmer mit Bad und Dusche.

بله. این حمام با وان و دوش است.

Es ist sauber und gepflegt.

تمیز است و به خوبی نگهداری شده.

Die Wohnung wurde im letzten Jahr komplett saniert.

آپارتمان در سال گذشته به طور کامل بازسازی شده است.

Sie erhalten die Wohnung im idealen Zustand.

شما آپارتمان را در شرایط ایده آل دریافت خواهید کرد.

+ Frau Milan: Freut mich. Ich möchte jetzt die Abrechnungen prüfen und Belege einsehen.

خوشحالم. اکنون می خواهم کسریات را بررسی کنم و رسیدها را مشاهده کنم.

Darf ich per Handy fotografieren?

آیا می توانم با تلفن همراهم عکس بگیرم؟

- Herr Meier: Ja bitte.

بله خواهش میکنم.



+ Frau Milan: Danke.

متشکرم.

- Herr Meier: Sie müssen während der Mietzeit dafür sorgen, dass sich die Wohnung in einem guten und gepflegten Zustand befindet.

شما باید اطمینان حاصل کنید که آپارتمان در طول مدت اجاره در وضعیت خوب باشد و به خوبی نگهداری می شود.

★ نکته: فعل **sorgen + für** به معنی مراقبت کردن از می باشد.

+ Frau Milan: Ja klar.

بله حتما.

- Herr Meier: Wenn die Wohnung Ihnen gefällt und Sie sie mieten wollen, machen wir eine Wohnungsabnahme und erstellen ein Abnahmeprotokoll.

اگر آپارتمان را دوست دارید و می خواهید آن را اجاره کنید، آپارتمان را بررسی می کنیم و یک گزارش صورتجلسه ایجاد می کنیم.

Sie brauchen es nicht sofort zu unterschreiben.

نیازی نیست فوراً آن را امضا کنید.

Schauen Sie sich die Wohnung nochmals ganz ruhig an und dann, wenn Sie Flecken und Kratzer entweder auf dem Fußboden oder an den Wänden sehen, schreiben Sie das ins Protokoll.

با آرامش دوباره به آپارتمان نگاه کنید و سپس در صورت مشاهده هرگونه لکه یا خراش روی زمین یا روی دیوار، آنها را در صورتجلسه یادداشت کنید.

+ Frau Milan: Gut. Ich mache das morgen früh.

خوبه. زود انجامش میدم.

- Herr Meier: Gut. Dann sehen wir uns morgen um 9 Uhr, unterschreiben den Mietvertrag und ich übergebe Ihnen den Schlüssel.

خوب. سپس فردا ساعت 9 صبح همدیگر را می بینیم، قرارداد اجاره را امضا می کنیم و کلید را به شما می دهم.

+ Frau Milan: Okay. Dann bis morgen Herr Meier.

باشد. پس فردا می بینمتون، آقای مایر.

- Herr Meier: bis morgen Frau Milan.

تا فردا خانم میلان.

مکالمه های پرکاربرد اجاره کردن

گفتگوهای زیر میتونی برای اجاره کردن یک خانه بکار بگیری:

Guten Tag, mein Name ist Ramin Amiri.

روز بخیر. نام من رامین امیری است.

Ich habe Ihre Anzeige in der Zeitung gelesen.

من آگهی شمارو در روزنامه خوندم.

Ist die Wohnung/das Haus noch frei?

آپارتمان / خانه هنوز خالیه؟

Kann man sie/es besichtigen?

آدم میتونه اونو(آپارتمان/خانه) بازدید بکنه؟

Ich hätte aber noch ein paar Fragen.

من چند سوال دیگه دارم.

Wie groß ist die Wohnung/das Haus?

آپارتمان/خانه چند متره؟

Wie viele Quadratmeter hat sie/es?

اون چند متره؟

Gibt es ein Bad oder eine Dusche?

آیا حمام یا یک دوش داره؟

Ist da Zentral oder Ofenheizung?

آیا سیستم گرمایشی اینجا مرکزی است یا با استفاده از بخاری کار می‌کند؟

Was kostet die Wohnung/das Haus?

قیمت آپارتمان/خانه چقدره؟

Ist da eine U-Bahn oder S-Bahn in der Nähe?

ایا یک قطار شهری یا قطار برقی دراون نزدیکی است؟

Wie ist es mit Einkaufsmöglichkeiten?

در مورد امکان خرید چطور؟

Wann kann ich denn kommen?

کی میتونم بیام؟

Um Uhr haben Sie da Zeit?

ساعت ... شما تایم دارید؟

Ja, das passt gut. Sagen Sie mir bitte noch die genaue Adresse.

بله، اون مناسب است. لطفا آدرس دقیق رو بگید.

WORTSCHATZ

معنی	واژه
به علت	wegen
زیر	folgend
فعلی	aktuell
فعلی	momentan
به سوال کسی جواب دادن	jdm. eine Frage beantworten
میتونید بگید که لطفا	Könnten Sie bitte sagen,
شمال غربی اینسبروک	im Nordwesten von Innsbruck
وجود داشتن	bestehen
مدارس	Die Schule
مراکز مراقبت از کودک	Kindereinrichtungen
کافه ها	Die Cafés
آژانس های مسافرتی	Die Reisebüros
داروخانه ها	Die Apotheken
رستوران ها	Die Gaststätten
در مجاورت	in unmittelbarer Nähe
متراژ چقدره؟	Wie groß ist ...?
بالغ بودن بر / به	betragen
اجاره ماهیانه چقدره؟	Wie viel beträgt die Miete monatlich?
مجهز	Die Ausstattung
وان حمام	Die Badewanne
سرامیکهای کف	Bodenfliesen

وضعیت	Der Zustand
آشپزخانه	Die Einbauküche
اجاق	Der Elektroherd
کف اتاق	Der Fußboden
بازسازی کردن	renovieren
پارسال	vor einem Jahr
ماشین ظرفشویی	Die Spülmaschine
ماشین لباسشویی	Die Waschmaschine
زیر زمین	Der Keller
خشک کردن	trocknen
جا/مکان	Der Stellplatz
اجاره ... چقدره؟	Wie hoch ist die Miete für?
در ماه	pro Monat
طرف جنوب	Die Südseite
در کدام طبقه ... هست؟	In Welchem Stockwerk liegt ?
آسانسور	Der Aufzug
راهرو	Die Treppe
کل اجاره	Die Gesamtmiete
اجاره سرد	Die Kaltmiete
هزینه های اضافی	Die Nebenkosten
برق	Der Strom
آب سرد	kaltes Wasser
آب گرم	warmes Wasser
فاضلاب	Das Abwasser
جمع آوری زباله	die Müllabfuhr
سیستم گرمایشی	Die Heizung
مرکز	Zentral
ارزیدن / قیمت داشتن	kosten
وثیقه	Die Kautiön
در چند قسط پرداخت کردن	in drei Raten zahlen
خالی	bezugsfrei
بلافاصله	sofort

حیوان خانگی	Das Haustier
خراب کردن	kaputt machen
قرارداد	Die Vereinbarung
مجاز	erlaubt
قرار ملاقات	Der Besichtigungstermin
قرار گذاشتن	vereinbaren
درس آلمانی	Der Deutschunterricht
وارد شدن	hereinkommen
راهرو	der Flur
کافی	genug
دنج	gemütlich
جادار	geräumig
آفتابی	sonnig
کمد لباس	Der Wäscheschrank
جا گرفتن	hineinpassen
فعلی	jetzig
حمام	das Badezimmer
تمیز	sauber
آراسته	gepflegt
نوسازی کردن	sanieren
به طور کامل	komplett
دریافت کردن	erhalten
کسر	Die Abrechnungen
رسید	Der Beleg
مشاهده کردن	einsehen
مدت زمان اجاره	Die Mietzeit
بازرسی آپارتمان	Die Wohnungsabnahme
تنظیم کردن	erstellen
گزارش صورتجلسه	Das Abnahmeprotokoll
امضا کردن	Unterschreiben
یکبار دیگر	nochmals
لکه	der Fleck



خراش	Kratzer
یا یا	entweder oder
کف اتاق	Der Fußboden
صورتهجلسه	Das Protokoll
اجاره نامه	Der Mietvertrag
برگرداندن	sich übergeben
صورتهجلسه	Das Protokoll
برگرداندن	sich übergeben

ALMANIZABAN.COM

LEKTION 7

چھوری، کجا و کی؟

Wie, wo und wann?

GRAMMATIK

کاربرد حرف اضافه am برای گفتن تاریخ:

یکی از مهم ترین کاربردهای حرف اضافه am برای بیان روزهای هفته، پایان هفته، اوقات روز و تاریخ هاست.

- نکته 1: اگر جمله ما بخواد در جواب پرسش: Wann به معنی : "کی؟ چه وقت؟" بیاد، از حرف اضافه am برای روزهای هفته، پایان هفته، اوقات روز و تاریخ استفاده می کنیم.
- نکته 2: چون داریم دربارهی "زمان" حرف می زنیم، از حرف اضافهی (an + dem) am استفاده می کنیم.

Frage: Wann möchtest du ins Kino gehen? (تو کی می خوای به سینما بری؟)

Antwort: Am Vormittag. (در قبل از ظهر)

نکته 3: برای بیان "در شب" از حرف اضافه in به جای am استفاده می کنیم.

چند مثال:

Am + Wochentage

am Montag در روز دوشنبه

am Wochenende در آخر هفته

am Morgen در صبح

in der Nacht در شب

z.b: Am Wochenende schlafe ich lange.

آخر هفته من زیاد می خوابم.

بیان جهت های جغرافیایی در آلمانی:

برای بیان جهت های جغرافیایی بایستی در زبان آلمانی در پاسخ به Wo? (کجا)، از حرف اضافه im
بعلاوه ی اسم جهت استفاده کنیم.



لیست جهت های جغرافیایی در آلمانی:

im Norden در شمال

im Süden در جنوب

im Westen در غرب

im Osten در شرق

بیان شرایط آب و هوایی در زبان آلمانی:

برای بیان شرایط آب و هوایی در زبان آلمانی، به نکات زیر بایستی دقت شود:

نکته 1: برای بیان "برف/باران باریدن و آفتاب" از خود فعل regnen به معنای باران باریدن ، schneien

به معنای برف بیاریدن و scheinen به معنای آفتاب تابیدن به همراه ضمیر es استفاده میکنیم:

Es regnet. باران میاد.

Es schneit. برف میاد.

Die Sonne scheint. خورشید می تابد / هوا آفتابی است.

نکته 2: برای الباقی شرایط آب و هوایی ما از صفت های اون ها به همراه فعل sein استفاده می کنیم:

آفتابی:

نیمه‌ابری / صاف:

- Es ist bewölkt. هوا ابری است.
- Es ist leicht bewölkt. هوا کمی ابری است.

مه‌آلود:

- Es ist neblig. هوا مه‌آلود است.

طوفانی / بادی:

- Es ist windig. هوا بادی است.

برای بیان دما در زبان آلمانی از این عبارات استفاده می‌کنیم:

- Es ist heiß. هوا داغ است.
- Es ist kalt. هوا سرد است.
- Es ist kühl. هوا خنک است.
- Es ist warm. هوا گرم است.

دیگر شرایط:

- Es ist schwül. هوا شرجی است.
- Es ist trocken. هوا خشک است.

مثال در جمله:

Im Winter ist das Wetter sehr kalt. Es schneit oft und der Himmel ist grau. Die Tage sind kurz und die Nächte sind lang. Man braucht eine warme Jacke, Handschuhe und einen Schal.

در زمستان هوا خیلی سرد است. اغلب برف می‌بارد و آسمان خاکستری است. روزها کوتاه هستند و شب‌ها بلند. آدم به یک کاپشن گرم، دستکش و شال نیاز دارد.

بیان زمان گذشته در زبان آلمانی:

(1) Perfekt (گذشته کامل / حال کامل)

ساختار این زمان:

Subjekt (فاعل) + Verb (فعل کمکی) (haben / sen) + Partizip 2 .

کاربرد زمان perfekt:

- بیشتر در مکالمه روزمره استفاده میشود.
- تأکید روی نتیجه عمل در زمان گذشته است.

مثال‌ها:

Es **hat** heute **geregnet**.

امروز باران بارید.

Ich **habe** ein Buch **gelesen**.

من یک کتاب خوانده‌ام

Er **ist** nach Berlin **gefahren**.

او به برلین رفته است

Wir **haben** gestern Fußball **gespielt**.

ما دیروز فوتبال بازی کردیم

لیست 2 partizip ها و افعال کمکی در سطح A1:

افعال با haben

افعال با قاعده: (regelmäßig)

- machen → gemacht (انجام دادن)
- spielen → gespielt (بازی کردن)
- lernen → gelernt (یاد گرفتن)
- hören → gehört (شنیدن)
- sagen → gesagt (گفتن)
- fragen → gefragt (پرسیدن)
- arbeiten → gearbeitet (کار کردن)
- warten → gewartet (منتظر ماندن)
- kaufen → gekauft (خریدن)
- verkaufen → verkauft (فروختن)
- leben → gelebt (زندگی کردن)
- wohnen → gewohnt (سکونت داشتن)
- spielen → gespielt (بازی کردن)

افعال بی‌قاعده: (unregelmäßig)

- essen → gegessen (خوردن)
- trinken → getrunken (نوشیدن)
- lesen → gelesen (خواندن)
- sehen → gesehen (دیدن)
- schlafen → geschlafen (خوابیدن)
- sprechen → gesprochen (صحبت کردن)
- schreiben → geschrieben (نوشتن)
- helfen → geholfen (کمک کردن)
- nehmen → genommen (گرفتن)
- finden → gefunden (پیدا کردن)
- denken → gedacht (فکر کردن)
- bringen → gebracht (آوردن)
- wissen → gewusst (دانستن)

افعال با تغییر حالت / وضعیت (افعال با sein)

- gehen → gegangen (رفتن)
- kommen → gekommen (آمدن)
- fahren → gefahren (رانندگی/رفتن با وسیله)
- fliegen → geflogen (پرواز کردن)
- laufen → gelaufen (دویدن/پیاده رفتن)
- aufstehen → aufgestanden (بلند شدن)
- bleiben → geblieben (ماندن)
- werden → geworden (شدن)
- sterben → gestorben (مردن)
- passieren → passiert (اتفاق افتادن)

نکات مهم:

1. افعال با پیشوند ge- نمی‌گیرند. be-, ver-, er-, ent-, zer-, miss- و غیره پیشوند ge- نمی‌گیرند.

مثال:

bekommen => bekommen

kaufen => verkauft

2. افعال جداشدنی (trennbar) پیشوندشان جدا می‌شود و ge وسط می‌آید:

مثال:

aufstehen → aufgestanden

نکته: در این موارد میتونیم از فعل کمکی sein برای perfekt کردن جملاتمون استفاده کنیم:

1. بیان تغییر جابه جایی جمله (مثل راه رفتن ، با ماشین رفتن و)
2. بیان تغییر وضعیت جمله (مثل متولد شدن، رشد کردن و یا بیدار شدن)

(2) Präteritum (گذشته ساده)

ساختار این زمان:

.... + (فعل در زمان گذشته ساده) Verb + (فاعل) Subjekt

کاربرد های زمان گذشته ساده:

- بیشتر در نوشتار رسمی (کتاب، مقاله، داستان، گزارش) استفاده میشود.
- در افعال کمکی و Modalverb در محاوره هم به کار میرود.

مثال‌ها:

Es war richtig kalt.

هوا خیلی سرد بود.



Ich **las** ein Buch.

من یک کتاب خواندم

Er **fuhr** nach Berlin.

او به برلین رفت

Wir **spielten** gestern Fußball.

ما دیروز فوتبال بازی کردیم

بیان تولد فرد در مکان / زمان خاصی:

برای بیان تولد فرد از این فرمول استفاده می کنیم:

Ich bin am ... im geboren.

من در در یک متولد شدم.

حتی می توانیم این جمله به صورت سوالی بپرسیم:

Wann und wo bist du geboren?

کی و کجا متولد شده ای؟

در جواب به این پرسش باید از حروف اضافه داتیوی: in و auf در زبان آلمانی استفاده کنیم.

Wann und wo bist du geboren?

Ich bin am 23. März in einem Krankenhaus geboren.

من در 23 ماه مارس در یک بیمارستان متولد شدم.

نکته:

سال حرف اضافه ندازه.

اعداد ترتیبی برای تاریخ ها:

برای بیان یک روز از ماه برای کاربردهایی مثل تولد می توانیم از حرف اضافه am به همراه عدد ترتیبی

استفاده می کنیم.

Wann bist du geboren?

Ich bin am 23. 1988 geboren.

ساختن اعداد ترتیبی:

19 تا 1 -te + عدد → از 1 تا 19

- eins → erste (اول)
- zwei → zweite (دوم)
- drei → dritte (سوم)
- vier → vierte (چهارم)
- fünf → fünfte (پنجم)
- ... تا → neunzehn → neunzehnte (نوزدهم)

استثناها:

- 1 → erste
- 3 → dritte
- 7 → siebte (*sieben-te* نه)

20 به بالا -ste + عدد → از 20 به بالا

- zwanzig → zwanzigste (بیستم)
- einundzwanzig → einundzwanzigste (بیست و یکم)
- dreißig → dreißigste (سیام)
- einunddreißig → einunddreißigste (سی و یکم)

برای گفتن تاریخ، همیشه با am + عدد ترتیبی + Monat می‌گیم:

- Ich habe am ersten Januar Geburtstag. (من در اول ژانویه تولد دارم.)
- Der Termin ist am dritten Februar. (قرار در سوم فوریه است.)
- Sie ist am neunzehnten April geboren. (او در نوزدهم آوریل به دنیا آمده است.)
- Ich fahre am einundzwanzigsten Juli nach Berlin. (من در ۲۱ جولای به برلین می‌روم.)
- Wir treffen uns am dreißigsten September. (ما در ۳۰ سپتامبر همدیگر را ملاقات می‌کنیم.)

نکته مهم: بعد از am باید عدد ترتیبی حالت Dativ بگیرد، بنابراین آخرش «-n» می‌گیرد:

am dritten, am neunzehnten, am einundzwanzigsten

ALMANIZABAN.COM



Unterwegs!

8

GRAMMATIK

1. برای بیان 'رفتن با وسیله نقلیه' می توانیم از جمله زیر استفاد کنیم:

Ich fahre mit + DATIV

نکته: حرف اضافه **mit** یک حرف اضافه داتیوسازه.

مثال:

من با مترو میرم.

Ich fahre mit der U-Bahn.

جدول تغییرات آرتیکلی حالت داتیو:

NOMINATIV	DATIV
der	dem
das	dem
die	der
die(pl.)	den +.... n

2. 99 در جملات:

اگر فعل جمله ما آکوزاتیوساز بود و یا حرف اضافه آکوزاتیوساز در جمله داشتیم، اسمی که بعنوان مفعول در جمله استفاده می کنیم باید آرتیکلش داتیو بشود.
حالا اگر خواستیم در جمله ای که ضمیری رو برای جمله استفاده کنیم بایستی ضمیر آکوزاتیوی باشد.

Holst du mich ab?

آیا دنبالم میای؟

در اینجا mich ضمیر مفعولی آکوزاتیو است. چون فعل ما آکوزاتیوسازه، در نتیجه



ALMANIZABAN.COM



ALMANIZABAN.COM



AM FLUGHAFEN

11



شما در اینترنت دو بلیط سفر به هامبورگ رزرو کرده اید. برای سوار شدن به

هوایما به فرودگاه برلین مراجعه می کنید:

خانم میلان در نقش پذیرش فرودگاه / آقای مایر در نقش مسافر

- Herr Meier: Hallo, ich würde gerne einchecken.

سلام، من می‌خواهم چک‌این کنم.

Wir haben den Flug im Internet gebucht.

ما پرواز را آنلاین رزرو کردیم.

+ Frau Milan: Hallo, wie heißen Sie denn?

سلام، اسمتون چیه؟

- Herr Meier: Ich heiße Flix Meier.

اسم من فلیکس مایر است.

+ Frau Milan: Danke. Ich überprüfe jetzt Ihre Buchung.

ممنون. من اکنون رزرو شما را بررسی می‌کنم.

★ نکته: فعل‌هایی که پیشنهاد -über در آلمانی دارند چندین دسته هستند.

یکی از بیشترین کاربردهای اون اینه که کاری رو دوباره انجام بدیم.

Alles klar. Sie haben zwei Tickets gebucht. Ist das richtig?

اکیه. شما دو بلیط رزرو کرده اید. درست است؟

- Herr Meier: Ja, das ist richtig.

بله درسته.

+ Frau Milan: Kann ich jetzt Ihre Reisepässe sehen?

الان میتونم پاسپورت هاتون رو ببینم؟

- Herr Meier: Ja, hier bitte.

بله، بفرمایید.

+ Frau Milan: Gut! Können Sie bitte die Koffer auf die Waage legen?

خوبه! میشه چمدون ها رو روی ترازو بذارید لطفا ؟

- Herr Meier: Ja sicher.

بله حتما.

Nach 2 Minuten

+ Frau Milan: Und hier sind Ihre Tickets und Reisepässe.

و اینم بلیط و پاسپورت هاتون.

- Herr Meier: Vielen Dank!

خیلی ممنون.

+ Frau Milan: Sehr gerne! Ich wünsche Ihnen einen schönen Flug.

بفرمایید! پرواز خوبی براتون آرزو میکنم.

- Herr Meier: Danke Ihnen! Auf Wiedersehen.

متشکرم! خدا حافظ.

Frau Milan: Sie sollen jetzt die Taschen leeren und die Gegenstände in den Behälter legen.

حالا باید جیب ها را خالی کنید و وسایل را داخل ظرف بگذارید.

Nach 10 Minuten

+ die Flugbegleiterin: Willkommen an Bord. Das sind Ihre Sitzplätze. Sie können Ihre Taschen in das Gepäckfach legen.

به هواپیما خوش آمدید. اینها صندلی های شما هستند. می توانید کیف های خود را در قسمت بالای سر(فضای بالای سرمسافران برای قراردادن اشیاء) قرار دهید.

- Herr Meier: Danke Ihnen.

متشکرم.

+ die Flugbegleiterin: Schnallen Sie sich bitte an. Wir werden in Kürze abheben.

لطفا کمربندهای ایمنی خود را ببندید. به زودی پرواز خواهیم کرد.

- Herr Meier: In Ordnung.

خیلی خب.

+ die Flugbegleiterin: Was würden sie gerne essen?

چی دوست دارید بخورید؟

Wir haben Steak und Pasta.

ما استیک و پاستا داریم.

- Herr Meier: Wir hätten gerne Steak, bitte.

ما استیک می خواهیم، لطفاً.

+ die Flugbegleiterin: Und zum trinken?

و برای نوشیدن؟

- Herr Meier: Wir nehmen Wasser. Danke!

ما آب می خواهیم(برمیداریم).

+ die Flugbegleiterin: Hier bitte. Mahlzeit.

بفرمایید. غذا.

- Herr Meier: Danke Ihnen!

متشکرم.

Nach dem Essen

+ die Flugbegleiterin: Bitte schnallen Sie sich fest. Wir werden in Kürze landen.

لطفا کمربندهای ایمنی خود را ببندید. به زودی فرود خواهیم آمد.

- Herr Meier: Alles klar.

همه چی واضحه.

+ die Flugbegleiterin: Und danke, dass Sie mit uns geflogen sind! Wir wünschen Ihnen einen schönen Tag.

و ممنون که با ما پرواز کردید! روز خوبی را برای شما آرزو می کنیم.

- Herr Meier: Danke. Ich wünsche Ihnen auch einen schönen Tag.

متشکرم. من هم برای شما روز خوبی آرزو می کنم.

Lass uns unser Gepäck holen und dann ein Taxi nehmen.

بیا چمدانمان را بگیریم و بعد سوار تاکسی شویم.

جملات پرکاربرد در فرودگاه که دانستن آن برای هر زبان آموزی واجب است:

Ich möchte meinen Flug rückbestätigen lassen.

من می خواهم پروازم را تأیید کنم [نهایی کنم].

Ich möchte meinen Flug stornieren.

من می خواهم پروازم را لغو کنم.

Wo ist der Schalter der Fluggesellschaft ... :

پیشخوان شرکت هواپیمایی ... کجاست؟

Wann fliegt die nächste Maschine nach ...?

هواپیمای بعدی به مقصد ... چه زمانی است؟

Bitte ein einfach Flugticket.

یک بلیت یک طرفه لطفاً.

Bitte ein hin und zurück Flugticket.

یک بلیط رفت و برگشت لطفاً.

Ich hätte gern einen Fensterplatz.

من یک صندلی کنار پنجره می خواهم.

Bitte ein Business Klasse Flugticket.

یک بلیت کلاس تجاری لطفاً.

Ich möchte meinen Flug umbuchen.

من می خواهم پروازم را عوض کنم.

Wie viel kostet ein Flug nach ...?

(بلیت) پرواز به ... (مقصد) چقدر هزینه دارد؟

Sind noch Plätze frei?

آیا هنوز صندلی خالی وجود دارد؟

Ich hätte gern einen Platz am Gang.

من یک صندلی کنار راهرو (بین صندلی ها) می خواهم.

Kann ich das als Handgepäck mitnehmen?

می توانم این را به عنوان بار به همراه خود (داخل) بیاورم؟

Mein Gepäck ist noch nicht angekommen.

چمدان من هنوز نیامده است.

An wen kann ich mich wenden?

با چه کسی باید صحبت کنم؟

Wo ist mein Gepäck?

چمدان من کجاست؟

Ich möchte mein Gepäck hier lassen.

من می‌خواهم چمدانم را اینجا بگذارم .

Mein Koffer ist beschädigt worden.

چمدان (ساک) من آسیب دیده است .

Ich möchte mein Gepäck abholen.

من می‌خواهم چمدانم را تحویل بگیرم .

Ich möchte einen Stadtplan.

من یک نقشه شهر می‌خواهم .

جمله های جالب به آلمانی در فرودگاه

Ich habe meinen Bordkarte im Hotel vergessen.

کارت پروازم را در هتل جا گذاشتم.

Aufgrund der Wetterbedingungen wurden Auslandsflüge abgesagt.

به دلیل شرایط جوی (نا مساعد) پرواز های خارجی لغو شده است.

Entschuldigung, ich kann meine Flugsteig nicht finden.

ببخشید گیت پروازم را پیدا نمی‌کنم.

Bitte überprüfen Sie die Anzeigetafel.

لطفا تابلوی اعلان اطلاعات را چک کنید.

Mein Gepäck ist noch auf das Gepäckband.

چمدانم هنوز روی نوار نقاله بار است.

Leider hast du Überlastung.

متاسفانه شما اضافه بار دارید.

Wir haben eine Notlandung. Bitte bleiben Sie auf Ihren Plätzen und bleiben Sie ruhig.

ما یک فرود اضطراری داریم. لطفا روی صندلی های خود بمانید و آرامش خود را حفظ کنید.

Das Flugzeug ist gerade am Flughafen gelandet.

هواپیما تازه (همین الان) در فرودگاه فرود آمد.

Das Flugzeug startete mit einer Stunde Verspätung.

هواپیما با یک ساعت تأخیر پرواز کرد.

Bitte schließen Sie den Gepäckfach.

لطفاً محفظه بار را ببندید.

Wie lautet Ihre Sitznummer?

شماره صندلی تان چند است؟

Wie komme ich zum Flughafen?

از این جا چگونه می شود به فرودگاه رفت؟

Der pass ist noch 2 Jahre gültig.

هنوز پاسپورت 2 سال اعتبار دارد.

WORTSCHATZ

معنی	واژه
چک‌این کردن	einchecken
پرواز	der Flug
رزرو کردن	buchen
رزرو	Die Buchung
پاسپورت	Der Reisepass
چمدون	der Koffer
ترازو	Die Waage
قرار دادن	legen
آرزو کردن	wünschen
خالی کردن	leeren
شئی / چیز	Der Gegenstand
مهماندار زن	Die Flugbegleiterin
صندلی	der Sitzplatz
کیف	die Tasche
فضای بالای سربسافران	Das Gepäckfach
کمر بند ایمنی را بستن	anschnallen
پرواز کردن	abheben
کمر بند ایمنی را بستن	festschnallen

فرود آمدن	landen
پرواز کردن	fliegen
fliegen	پرواز کردن
starten	بلند شدن
landen	فرود آمدن
Höhe	ارتفاع
Heck	دم هواپیما
Die Notlandung	فرود اضطراری
Start-und Landebahn	باند فرودگاه
Die Flugbegleiterin	مهماندار هواپیما (زن)
Der Flugbegleiter	مهماندار هواپیما (مرد) :
Die Bordkarte	کارت پرواز
Der Reisepass	گذرنامه
Das Visum	ویزا (روادید)
Der Inlandsflug	پرواز های داخلی
Der Auslandsflug	پرواز های خارجی (بین المللی)
Das Terminal	پایانه (ترمینال)
Der Zoll	گمرک
Die Sicherheitskontrolle	ایست بازرسی (بررسی امنیتی)
Die Ticketkontrolle	کنترل بلیط
Die Fluggasttreppe	پله های هواپیما
Der Flugsteig	گیت پرواز
Die Anzeigetafel	تابلوی اعلان و اطلاعات
Das Gepäckband	نوار نقاله بار
Das Übergepäck	اضافه بار
Das Reiseziel	مقصد
Der Gang	راهرو
Die Sitzreihe	ردیف
Der Sitzplatz	صندلی
Die Sitznummer	شماره صندلی
Das Gepäckfach	جای بار (بالای سر صندلی)

IM KRANKENHAUS

12



سناریو: توسط اورژانس به بیمارستان مراجعه کرده اید و صحبت های شما بین دکتر مایر و خانم میلان مشاهده کنید:

- Dr. Meier: Guten Tag Frau Milan. Mein Name ist Doktor Meier.

سلام خانم میلان. نام من دکتر مایر است.

Ich bin auf dieser Station als Assistenzarzt tätig und würde gerne mit Ihnen das Aufnahmegespräch führen.

من به عنوان دستیار پزشک در این بخش کار می کنم و خوشحال می شوم مصاحبه پذیرش را با شما انجام دهم.

★ دو تا نکته:

1. صفت همراه با عبارت **tätig sein als** بمعنی: اشتغال داشتن به (شغلی)، کار کردن به عنوان

2. فعل **führen** در اینجا بمعنی: به انجام رساندن

Was kann ich für Sie tun?

چه کاری می توانم برای شما انجام دهم؟

+ Frau Milan: Seit gestern Abend habe ich Schmerzen im rechten Bein.

از دیروز غروب من در پای راستم درد دارم.

Das Bein ist auch dicker geworden und fühlt sich warm an.

پا نیز چاق تر شده و احساس گرما می کند.

Ich habe versucht, das Bein mit feuchten Wickeln zu kühlen, aber über Nacht ist es nur schlimmer geworden.

سعی کردم پا را با پارچه های خیس خنک کنم، اما در طول شب وضعیت بدتر شده است.

★ نکته: حرف اضافه **über** برای زمان هم استفاده میشه، به معنی: در طول::

über das Wochenende

در طول آخر هفته

Ich war dann in der Praxis von Frau Doktor Lisa, und sie hat mich ins Krankenhaus zu Ihnen eingewiesen.

من سپس به مطب خانم دکتر لیزا رفتم و او من را به بیمارستان شما منتقل کرد.

★ نکته: فعل **einweisen** میتونه با ترکیب زیر بیاد، به معنی:

in + Akkusativ => ins Krankenhaus einweisen

فرستادن به / منتقل کردن به (به بیمارستان)

- Dr. Meier: Können Sie den Ort der Schmerzen genauer beschreiben?

می توانید محل درد را با جزئیات بیشتری توضیح دهید؟

+ Frau Milan: Es ist der gesamte rechte Unterschenkel, vom Knie an abwärts.

تمام قسمت ساق راست، از زانو به پایین.

- Dr. Meier: Können Sie die Schmerzen beschreiben:

آیا می توانید درد را توصیف کنید:

Sind sie vergleichbar mit einem Brennen, einem Stechen oder eher einem Drücken?

آیا آنها قابل مقایسه با سوزش، سوزن زدن یا فشار بیشتر هستند؟

+ Frau Milan: Ich würde sagen, es ist am ehesten ein Drücken.

من می گویم به احتمال زیاد فشار است.

- Dr. Meier: Können Sie sich an einen Auslöser für die Schmerzen erinnern, zum beispiel eine Verletzung?

آیا می توانید محرکی برای درد، مانند آسیب دیدگی، به یاد بیاورید؟

★ نکته: فعل (Akk.) sich erinnern به معنی: چیزی رو به یاد آوردن.

Gibt es irgendetwas, dass die Schmerzen lindert oder aber verstärkt?

آیا چیزی وجود دارد که درد را تسکین یا افزایش دهد؟

+ Frau Milan: Nein, verletzt habe ich mich nicht. Es hat einfach so auf der Arbeit

angefangen. Im Stehen sind die Schmerzen dann immer stärker geworden.

نه من به خودم آسیبی ندم. تازه از سر کار شروع شد. وقتی ایستادم، درد بدتر و بدتر شد.

★ نکته: فعل sich verletzen به معنی: صدمه دیدن.

- Dr. Meier: Können Sie die Situation genauer beschreiben, als die Schmerzen aufgetreten sind? Was haben Sie auf der Arbeit getan?

می توانید وضعیت را بیشتر توضیح دهید، زمانی که درد شروع شد؟ در محل کار چه کاری انجام دادید؟

★ نکته: فعل auftreten به معنی: پیش آمدن.

+ Frau Milan: Ich arbeite als Verkäuferin in einem großen Kaufhaus. Da muss ich den ganzen Tag stehen.

من به عنوان یک فروشنده در یک فروشگاه بزرگ کار می کنم. من باید تمام روز آنجا بایستم.

★ نکته: برای بیان 'تمام طول روز' می توانیم از این ترکیب استفاده کنیم:

Den ganzen Tag

Die Schmerzen haben gegen Ende meiner Schicht angefangen. Ich dachte zuerst, dass meine Beine einfach nur müde wären.

درد از اواخر شیفت من شروع شد. اول فکر کردم پاهایم خسته است.

★ نکته: حرف اضافه برای زمان **gegen** به معنی: در حدود (زمان).

- Dr. Meier: Wie fühlen Sie sich allgemein? Haben Sie das Gefühl, dass es Ihnen insgesamt schlecht geht?

به طور کلی چه احساسی دارید؟ آیا احساس می کنید در کل عملکرد ضعیفی دارید؟

★ نکته: فعل **sich fühlen** به معنی: احساس داشتن/کردن.

Haben Sie Fieber oder Schüttelfrost bemerkt?

آیا متوجه تب یا لرز شده اید؟

+ Frau Milan: Nein, eigentlich nicht. Sonst fühle ich mich gut.

نه، در واقع نه. وگرنه احساس خوبی دارم.

- Dr. Meier: Ich würde Ihnen gerne noch ein paar allgemeine Fragen stellen. Wie alt sind Sie?

من می خواهم چند سوال کلی از شما بپرسم. چند سالته؟

★ نکته: عبارت **ein paar Fragen stellen** به معنی: چند سوال مطرح کردن.

+ Frau Milan: Ich bin 30 Jahre alt.

من 30 سالمه.

- Dr. Meier: Wie groß sind Sie und wie schwer? Hat sich Ihr Gewicht in der letzten Zeit merklich verändert?

قد شما چقدر است و وزن شما چقدر است؟ آیا اخیراً وزن شما به طرز محسوسی تغییر کرده است؟

★ نکته: عبارت **in der letzten Zeit; in letzter Zeit** به معنی: در این اواخر.

+ Frau Milan: Ich bin ungefähr 165 cm groß und wiege 78 kg.

من حدود 165 سانتی متر قد و 78 کیلوگرم وزن دارم.

Mein Gewicht hat sich kaum verändert. Vielleicht habe ich etwas zugenommen.

وزن من به سختی تغییر کرده است. شاید وزنم زیاد شده.

- Dr. Meier: Schlafen Sie gut, oder haben Sie Probleme, ein- oder durchzuschlafen?

آیا خوب می خوابید یا در به خواب رفتن یا خواب ماندن مشکل دارید؟

+ Frau Milan: Nein. Da habe ich keine Probleme.

نه. من هیچ مشکلی با آن ندارم.

- Dr. Meier: Gibt es Probleme beim Wasserlassen oder beim Stuhlgang?

آیا در دفع ادرار یا اجابت مزاج مشکلی وجود دارد؟

+ Frau Milan: Nein.

نه.

- Dr. Meier: Darf ich Sie fragen, ob es Schwierigkeiten beim Geschlechtsverkehr gibt, Schmerzen Z.B. ?

آیا می توانم از شما بپرسم، که آیا در طول رابطه جنسی مشکلی وجود دارد، مثلاً درد؟

+ Frau Milan: Nein, gibt es nicht.

نه وجود نداره.

- Dr. Meier: Ist Ihre Monatsblutung regelmäßig? Könnte es sein, dass Sie zurzeit schwanger sind?

آیا پریود ماهانه شما منظم است؟ آیا ممکن است در حال حاضر باردار باشید؟

+ Frau Milan: Nein. Die Regel ist unverändert. Und die Pille habe ich jeden Tag genommen.

نه. قانون بدون تغییر است. و من هر روز قرص می خوردم.

- Dr. Meier: Rauchen Sie, trinken sie Alkohol, oder nehmen Sie sonstige Drogen?

آیا سیگار می کشید، الکل می نوشید یا داروهای دیگری مصرف می کنید؟

+ Frau Milan: Nun ja, ich rauche, aber sonst nichts.

خب من سیگار میکشم ولی هیچی دیگه نمیکشم.

- Dr. Meier: Wie viele Zigaretten rauchen Sie pro Tag und wie lange rauchen Sie schon?

روزانه چند نخ سیگار می کشید و چه مدت است که سیگار می کشید؟

+ Frau Milan: Ungefähr eine halbe die Schachtel pro Tag, würde ich sagen. Angefangen habe ich mit 18 Jahren.

حدوداً روزی نصف جعبه، میگم. از 18 سالگی شروع کردم.

- Dr. Meier: Sind Ihr Vater, Ihre Mutter oder Ihre Geschwister an ernst zunehmenden Beschwerden leiden, also Z.B. Krebs, Bluthochdruck, oder Zucker?

آیا پدر، مادر یا خواهر و برادر شما از بیماری های جدی مانند سرطان، فشار خون بالا یا قند رنج می برند؟

+ Frau Milan: Mein Vater hat seit Jahren hohen Blutdruck.

پدرم سالهاست که فشار خون بالا دارد.

★ نکته: برای بیان کاری که سال ها است پابرجاست: **seit Jahren** سالهاست

Meine Mutter hat Zucker. Und diese Schmerzen im Bein, so wie ich gerade welche habe, hatte sie auch schon mehrmals.

مادرم دیابت دارد. و این درد در پا، مانند من که در حال حاضر دارم، تا چند بار هم او را تجربه کرده است.

Meine Schwestern sind, soweit ich weiß, gesund.

تا جایی که من می دانم خواهرانم سالم هستند.

- Dr. Meier: Sind Sie verheiratet? Haben Sie Kinder?

ازدواج کردید؟ بچه دارید؟

+ Frau Milan: Nein, verheiratet bin ich nicht, und Kinder habe ich auch noch keine.

نه من ازدواج نکرده ام و هنوز بچه ای ندارم.

- Dr. Meier: In Ordnung. Ich würde Ihnen nun gerne einige Fragen zu Ihrer Vorgeschichte stellen.

خیلی خب. اکنون می خواهم از شما چند سوال در مورد سابقه شما بپرسم.

Haben Sie irgendwelche wichtigen Erkrankungen, von denen ich wissen sollte, Z.B. des Herzens, der Lungen oder des Bauchraums?

آیا شرایط پزشکی مهمی دارید که باید در مورد آن بدانم، به عنوان مثال، بیماری های قلبی، ریه یا شکم؟

★ نکته: ضمیر **denen** قبلا در **Relativsatz** توضیح دادم.

Gab es in der Vergangenheit wichtige Operationen?

آیا در گذشته عمل مهمی انجام شده است؟

+ Frau Milan: Nein. Da fällt mir nichts ein, außer mein Heuschnupfen. Ich bin allergisch gegen Gräser.

نه. به جز تب یونجه به هیچ چیز فکر نمی کنم. من به علف ها حساسیت دارم.

Und dann hatte ich noch eine Operation am Blinddarm. Das ist aber schon zehn Jahre her.

و بعد عمل آپاندیس انجام دادم. اما ده سال پیش بود.

- Dr. Meier: Nehmen Sie regelmäßig Medikamente ein?

آیا به طور منظم دارو مصرف می کنید؟

+ Frau Milan: Gegen den Heuschnupfen nehme ich zurzeit Loratadin, aber nur während der Saison. Sonst nur die Pille.

من در حال حاضر برای تب یونجه لوراتادین مصرف می کنم، اما فقط در طول فصل. وگرنه فقط قرص.

- Dr. Meier: Gibt es Medikamente, gegen die Sie allergisch sind?

آیا دارویی وجود دارد که به آن حساسیت دارید؟

+ Frau Milan: Nein, davon wüsste ich nichts.

نه، من چیزی در این مورد نمی دانم.

- Dr. Meier: Gut, ich denke, ich habe vorerst alle für mich wichtigen Fragen gestellt.

خوب، فکر می کنم تمام سوالاتی را که در حال حاضر برایم مهم هستند، پرسیده ام.

Haben Sie noch Fragen? Gibt es noch etwas, das Sie mir sagen möchten?

آیا دیگر سوالی دارید؟ آیا چیز دیگری هست که بخواهید به من بگویید؟

+ Frau Milan: nein ich glaube nicht.

نه، فکر نمی کنم.

- Dr. Meier: Als nächstes würde ich Sie gerne körperlich untersuchen.

بعد، من می خواهم شما را معاینه فیزیکی کنم.

WORTSCHATZ

معنی	واژه
دستیار پزشک	Der Assistenzarzt
پذیرش / عضویت	Die Aufnahme
راه بردن / هدایت کردن	führen
درد	Der Schmerz
پا	Das Bein
لمس کردن	sich anfühlen
گرم	warm
لمس کردن	versuchen
خیس	feucht
خود را پوشاندن	sich wickeln
سرد کردن	kühlen
بد	schlimm

مطب دکتر	die Praxis
منتقل کردن	einweisen
تشریح کردن	beschreiben
کل	gesamt
ساق	Der Unterschenkel
قابل مقایسه	vergleichbar
نیش زدن	stechen
فشار دادن	drücken
محرک	Der Auslöser
زخم / جراحت	Die Verletzung
یک چیزی	irgendetwas
آرام کردن (درد)	lindern
تقویت کردن / افزایش دادن	verstärken
زخمی شدن / مجروح شدن	sich verletzen
قویتر	stark
وضعیت	die Situation
انجام دادن	tun
فروشگاه بزرگ	Das Kaufhaus
خسته	müde
عموم / به طور کلی	allgemein
احساس	das Gefühl
بد	schlecht
تب و لرز	Der Schüttelfrost
متوجه شدن	bemerken
سوال مطرح کردن	Fragen stellen
وزن	Das Gewicht
تغییر کردن	sich verändern
حدوداً	ungefähr
افزایش پیدا کردن (وزن)	zunehmen
راحت خوابیدن	durchzuschlafen
ادرار کردن	Wasserlassen
اجابت مزاج	Der Stuhlgang

مشکل	Die Schwierigkeit
رابطه جنسی	Der Geschlechtsverkehr
عادت ماهانه	Die Monatsblutung
باردار	schwanger
بدون تغییر	unverändert
قرص	die Pille
سیگار کشیدن	rauchen
داروهای دیگر	sonstige Drogen
سیگار	Die Zigarette
پاکت	Die Schachtel
شکایت / ناراحتی	Die Beschwerde
رنج بردن	leiden
فشار خون	Der Bluthochdruck
چندین بار	mehrmals
تا حدی که	soweit
سابقه	Die Vorgeschichte
بیماری	Die Erkrankungen
بیماری های قلبی	des Herzens
بیماری های ریه	der Lungen
بیماری های شکم	des Bauchraums
به یاد چیزی افتادن	einfallen
تب یونجه	Der Heuschnupfen
سبزه / چمن	Das Gras
عمل	Die Operation
آپاندیس	Der Blinddarm
فصل	Die Saison
دارو	Das Medikamente
آلرژی	allergisch
در حال حاضر	vorerst
جسمی	körperlich
معاینه کردن	untersuchen

BEIM ZAHNARZT

13



سناریو: آقای مایر در هنگام غذا خوردن دندانش میشکند و درد بسیار زیادی دارد.
مکالمه های بین آقای مایر، خانم میلان و منشی/دکتر را ببینید.

- Herr Milan: Oh nein, was für ein Schmerz!

★ نکته: تفاوت بین **was für ein** با **welch- : welch-** در مورد مقوله ای مشخص و شناخته شده می-پرسد، اما **Was für ein** در مورد مقوله ای (شخص، چیز و مفهوم) غیرمعین و شناخته نشده می پرسد.
was für ein نیز صرف می شود.

+ Frau Milan: Was ist passiert?

چه اتفاقی افتاده؟

- Herr Milan: Ich muss mir einen Zahn abgebrochen haben.

باید یک دندانم را شکسته باشم.

+ Frau Milan: Übertreibe nicht so.

اینطوری اغراق نکن.

+ Frau Milan: Wenn es so weh tut, solltest du den Zahnarzt anrufen.

اگر اینقدر درد داری، باید با دندانپزشک تماس بگیری.

★ نکته: فعل **wehtun** به معنی: درد کردن، یک فعل جداشتنی است.

این فعل هم میتونه با ضمیر انعکاسی داتیو بیاد: **sich wehtun** به معنی: چیزیش شدن/دردش آمدن

- Herr Milan: Ja, ich rufe ihn sofort an.

بله، فوراً با او تماس خواهم گرفت.

* Sekretärin: Guten Tag, Zahnarztpraxis Steiner, hier Frau Müller.

روز بخیر، مطب دندانپزشکی اشتاینر، اینجا خانم مولر است.

- Herr Milan: Guten Tag Frau Müller.

روز بخیر خانم مولر.

- Herr Milan: Ich brauche dringend einen Termin beim Zahnarzt.

من نیاز فوری به یک وقت دندانپزشکی دارم.

* Sekretärin: Ja klar. Ich habe einen freien Termin heute Abend um 17:30 Uhr.

بله، البته. امروز عصر ساعت 17:30 یک وقت ملاقات آزاد دارم.

Oder morgen um 11 Uhr und am Nachmittag um 15 Uhr.

یا فردا ساعت 11 صبح و بعد از ظهر ساعت 15.

- Herr Milan: Ich komme um 17 uhr 30 Uhr, danke.

من ساعت 17:30 آنجا خواهم بود، ممنون.

* Sekretärin: Ihr Name, bitte.

نامتون لطفاً.

- Herr Milan: Mein Name ist Flix Meier.

نام من فلیکس مایر.

* Sekretärin: Gut, Herr Meier. Der Termin ist gebucht.

خوب آقای مایر. قرار ملاقات رزرو شد.

Wir sehen uns heute Abend.

ما همدیگرو امروز غروب میبینیم.

- Herr Milan: Perfekt, vielen Dank.

عالی، خیلی ممنونم.

Frau Milan: Willst du in der Zwischenzeit etwas gegen die Schmerzen?

در ضمن در این فاصله برای درد چیزی میخوای؟

★ دو تا نکته:

1. وقتی می خواهی علیه یک بیماری یک کاری، یا یک قرصی چیزی مصرف کنی: gegen میتونی بکار بگیری.

2. این عبارت یاد بگیر: in der Zwischenzeit به معنی: در این بین / فاصله

In der Zahnarztpraxis

- Herr Milan: Hallo, Guten Abend.

سلام عصر بخیر.

Ich habe einen Termin.

من یک قرار ملاقات دارم.

Mein Name ist Flix Meier.

نام من فلیکس مایر.

* Sekretärin: Hallo Herr Meier.

سلام آقای مایر.

Bitte nehmen Sie noch kurz Platz.

لطفا به لحظه بشینید.

Die Zahnärztin holt Sie gleich.

دندانپزشک به زودی پی شما میره.

★ نکته: فعل **holen** در آلمانی بیش از 20 تا کاربرد مختلف داره، اما در اینجا به معنی: پی کسی رفتن.

Zahnärztin: Herr Meier, kommen Sie bitte mit.

آقای مایر لطفا با من بیایید.

Bitte setzen Sie sich.

لطفا بشینید.

Sagen Sie mir: Was ist das Problem?

مشکل چیه؟

- Herr Milan: Ich habe einen Zahn, der weh tut.

من یک دندان دارم که درد می کند.

Ich fühle die Hitze und die Kälte.

گرم و سرما را حس می کنم.

Und mein Zahnfleisch ist geschwollen.

و لثه هایم متورم شده است.

Zahnärztin: Ok, wann war Ihr letzter Zahnarztbesuch?

خوب، آخرین مراجعه شما به دندانپزشک کی بود؟

- Herr Milan: Vielleicht vor zwei Jahren.

شاید دو سال پیش.

Zahnärztin: Ok, zuerst machen wir ein Röntgenbild und dann schauen wir mal nach.

خوب، ابتدا عکس رادیوگرافی می گیریم و سپس نگاه می کنیم.

Bitte, legen Sie sich jetzt hin.

لطفا الان دراز بکش.

Öffnen Sie den Mund weit.

دهان خود را کاملا باز کنید.

Es ist dieser Backenzahn, richtig?

این دندان آسیا است، درست است؟

- Herr Milan: Ja.

بله.

Zahnärztin: Es ist nicht sehr ernst.

خیلی جدی نیست.

Sie haben eine kleine Karies, die Sie entfernen müssen.

شما یک حفره کوچک دارید که باید آن را بردارید.

Zum Glück ist die Karies nicht sehr tief.

خوشبختانه پوسیدگی دندان خیلی عمیق نیست.

Soll ich sie jetzt entfernen oder möchten Sie wiederkommen?

الان باید حذفشون کنم یا دوست دارید الان بروید دوباره برگردید؟

- Herr Milan: Nein, wenn es möglich ist, möchte ich sie jetzt entfernen lassen.

نه، در صورت امکان، من می خواهم آنها را حذف کنم.

★ نکته: این اصطلاح حتما یاد بگیر:

Wann wäre es möglich,

چه زمانی ممکن است

Zahnärztin: Natürlich.

البته.

Ich werde den Bohrer verwenden, um die Karies zu entfernen.

من از مته برای از بین بردن پوسیدگی استفاده خواهم کرد.

Und dann werde ich die Füllung machen.

سپس من پر کردن را انجام می دهم.

Ich mache Ihnen eine kleine Anästhesie, damit Sie keine Schmerzen fühlen.

یه کم بیهوشی بهتون میدم تا دردی احساس نکنید.

Nach 15 Minuten

So, schon vorbei. Haben Sie Schmerzen gespürt?

خب تموم شد. آیا دردی احساس کردید؟

- Herr Milan: Nein, gar nicht.

نه، اصلاً.

Zahnärztin: Super, jetzt spülen Sie gut mit Wasser.

عالی، حالا خوب با آب بشویید.

Gut, warten wir eine Minute, bis die Anästhesie wirkt.

خوب، یک دقیقه صبر کنیم تا بیهوشی اثر کند.

Jetzt benutze ich den Aspirator.

الان از آسپیراتور استفاده میکنم.

Wenn Sie einen Schmerz fühlen, heben Sie bitte die Hand und ich höre sofort auf.(STOPP)

اگر احساس درد کردید، لطفاً دست خود را بالا ببرید و من فوراً متوقف خواهم شد(دست از کار می کشم).

Alles klar?

همه چی واضحه؟

Los geht's!

شروع میکنیم.

Sehr gut! Sie waren gut.

خیلی خوبه! خوب بودند.

Zum Verschließen der Kavität verwende ich die Hartzpaste.

من از خمیر رزین برای بستن حفره استفاده می کنم.

Jetzt härte ich die Paste mit dem blauen Licht aus.

حالا رز را با نور آبی سفت می کنم.

Spülen Sie bitte noch einmal mit Wasser.

لطفا دوباره با آب بشویید.

Nach 15 Minuten

Wunderbar Herr Meier, wir haben es geschafft.

آقای مایر عالی، ما این کار را کردیم.

Wie fühlen Sie sich? Alles gut?

چه احساسی دارید؟ همه چیز اوکی است؟

- Herr Milan: Ja, es geht

بله بد نیستم

Zahnärztin: Ok, also Sie haben eine leichte Zahnfleischentzündung wegen des Zahnsteins.

باشه، خب به خاطر جرم دندان، التهاب خفیف لثه دارید.

Wann haben Sie das letzte Mal eine Zahnreinigung gemacht?

آخرین باری که دندان هایتان را جرمگیری کردید کی بود؟

- Herr Milan: Vor mindestens drei oder vier Jahren.

حداقل سه یا چهار سال پیش.

Zahnärztin: Das ist nicht gut, ich rate Ihnen, das so schnell wie möglich zu tun.

این خوب نیست، به شما توصیه می کنم هر چه زودتر این کار را انجام دهید.

Wenn Sie möchten, kann ich Ihnen einen Termin geben.

در صورت تمایل می توانم به شما یک قرار ملاقات بدهم.

Wenn Sie alle Plaque und den Zahnstein entfernt haben, wird das Zahnfleisch besser.

هنگامی که تمام پلاک ها و جرم ها را از بین ببرید، لثه ها بهتر می شوند.

Gut. Wir sind fertig für heute.

خوب. ما برای امروز تمام کردیم.

Bitte denken Sie daran: kein Essen und keine warmen Getränke bis zum Abend.

لطفاً به یاد داشته باشید: تا عصر غذا یا نوشیدنی گرم ممنوع است.

★ نکته: برای بیان 'به/ در فکر چیزی بودن، فکر چیزی را کردن' بایستی از فعل **denken** به همراه حرف اضافه **an** استفاده کنید.

denken an

Wenn Sie keine anderen Probleme haben, können wir uns nächstes Jahr zur Kontrolle sehen.

اگر مشکل دیگری ندارید، می توانیم سال آینده برای معاینه شما را ببینیم.

- Herr Milan: Danke für alles, Frau Doktor.

برای همه چیز متشکرم خانم دکتر.

Zahnärztin: Ich danke Ihnen.

من از شما متشکرم.

Und denken Sie daran, Ihre Zähne dreimal täglich zu putzen und die Zahnseide jeden Abend zu benutzen.

و به یاد داشته باشید که روزی سه بار مسواک بزنید و هر شب از نخ دندان استفاده کنید.

- Herr Milan: Ja, gut. Auf Wiedersehen.

بله، خوب است. خداحافظ.

bei der Sekretärin

Hallo. Ich möchte einen neuen Termin ausmachen.

سلام. من می‌خواهم یک قرار جدید بگیرم (وقت بزارید).

Am besten passt mir immer der Donnerstagnachmittag.

بعدازظهرهای پنجشنبه همیشه برای من بهترین زمان مناسب.

Hätten Sie da etwas frei?

آیا اون تایم وقت آزاد خواهید داشت؟

* Sekretärin: Nächste Woche sind wir nicht da. Wir sind im Urlaub.

هفته آینده اینجا نیستیم. ما در تعطیلات هستیم.

Wir können uns die folgende Woche wieder treffen.

هفته بعد می‌توانیم دوباره ملاقات کنیم.

Donnerstag um 16 Uhr, ok?

پنجشنبه ساعت 4 بعد از ظهر، اکیه؟

- Herr Milan: Ja, gut.

بله، خوبه.

* Sekretärin: Perfekt Herr Meier, wir sehen uns in zwei Wochen. Schönen Abend.

عالی آقای مایر، دو هفته دیگر می‌بینمتون. عصر خوبی داشته باشید.

- Herr Milan: Danke, ebenfalls.

از شما هم متشکرم.

WORTSCHATZ

معنی	واژه
چه نوع ؟	was für ein ?
درد	Der Schmerz
اتفاق افتادن	passieren
دندان	der Zahn
شکستن	abbrechen
اغراق کردن / زیاده روی کردن	übertreiben
درد کردن	wehtun
دندانپزشک	Der Zahnarzt
مطب دندانپزشکی	Die Zahnarztpraxis
فوری	dringend
وقت ملاقات	Der Termin
یک تایم آزاد در برنامه شخصی	einen freien Termin
رزرو کردن	buchen
در این بین	Die Zwischenzeit
پی کسی رفتن	holen
گرما	die Hitze
سرما	die Kälte
لثه	Das Zahnfleisch
متورم	geschwollen
مراجعه دندانپزشکی	Der Zahnarztbesuch
عکس با اشعه ایکس	Das Röntgenbild
دیدن (به قصد کنترل)	nachschauen
دراز کشیدن	sich hinlegen
کاملاً باز	weit offen
دهان	der Mund
دندان آسیا	Der Backenzahn
جدی	ernst

پوسیدگی دندان	Die Karies
بیرون کردن	entfernen
عمیق	tief
ممکن	möglich
استفاده کردن	verwenden
مته	Der Bohrer
ماده پر کردن دندان	Die Füllung
بییهوشی	Die Anästhesie
گذشته / تمام شده	vorbei
حس کردن	spüren
آب کشیدن	spülen
دندان درد	Zahnschmerzen
هنگام جویدن	beim Kauen
هنگام نوشیدن	beim Trinken
من نیاز دارم	ich brauche
دندانپزشک	Der Zahnarzt
دندانپزشک	Die Zahnärztin
با دندانپزشک تماس بگیرید	beim Zahnarzt anrufen
کدام دندان درد می کند؟	Welcher Zahn tut weh?
کشیدن دندان / کشیدن دندان	die Zahnextraktion / einen Zahn ziehen
بریس ها	die Zahnspange
دندان مصنوعی	der Zahnersatz
خونریزی لثه ها	das Zahnfleischbluten
پلاک دندان	der Zahnbelag
دندان سنجاق	der Stiftzahn
شکستن دندان	sich einen Zahn abbrechen
سوراخ / حفره ها	das Loch / die Karies
مینای دندان	der Zahnschmelz
نخ دندان	die Zahnseide
خونریزی لثه ها	das Zahnfleischbluten
قطع شدن	aufhören
بستن	verschließen

سفت کردن	verhärten
خمیر (مثل خمیر دندان)	die Paste
جرم دندان	Der Zahnstein
التهاب خفیف لثه	Die Zahnfleischentzündung
جرمگیری	Die Zahnreinigung
دست کم	mindestens
پیشنهاد کردن	raten
پلاک ها	Die Plaque
تمام	fertig
به یاد چیزی بودن	denken an
روزانه	täglich
مسواک زدن	putzen

ALMANIZABAN.COM

IM FITNESSSTUDIO

14



سناریو: برای ثبت نام در یک باشگاه ورزشی به یک باشگاه نزدیک محل زندگیتون مراجعه می کنید. مکالمات زیر برای ثبت نام در یک باشگاه می تونی استفاده کنی:
خانم میلان مسئول ثبت نام باشگاه / آقای مایر ورزشکار

+ Frau Milan: Wie kann ich Ihnen helfen?

چطوری میتونم کمکتون کنم؟

- Herr Meier: Hallo. Ich möchte mich über das Fitnessstudio informieren.

سلام. من می خواهم در مورد ورزشگاه بیشتر بدانم.

نکته: فعل **sich informieren ... über** به معنی: اطلاع کسب کردن/آگاه شدن در مورد چیزی. ★

+ Frau Milan: Natürlich. Haben Sie Interesse an einer Mitgliedschaft?

البته. آیا شما علاقه مند به عضو شدن هستید؟

نکته: عبارت زیر با **Interesse** یاد بگیر: ★

Interesse haben an (Dat.)

علاقه مند بودن به

- Herr Meier: Ok. Was kostet sie pro Monat?

باشه هزینه آن در ماه چقدر است؟

+ Frau Milan: Es kostet 30 Euro pro Monat. Wir haben auch Tageskarten.

هزینه آن 30 یورو در ماه است. بلیط یک روزه هم داریم.

- Herr Meier: Wie viel kostet eine Tageskarte?

هزینه بلیط یک روزه چقدر است؟

+ Frau Milan: Eine Tageskarte kostet 8 Euro.

بلیط یک روزه 8 یورو است.

- Herr Meier: Gut, ich möchte erst eine Tageskarte.

خوب، من اول یک بلیط یک روزه می خواهم.

+ Frau Milan: Kein Problem. Möchten Sie das Fitnessstudio besichtigen?

مشکلی نیست. آیا می خواهید از ورزشگاه دیدن کنید؟

نکته: وقتی می خواهید از مکانی دیدن کنید می توانید از فعل **besichtigen** استفاده کنید. ★

- Herr Meier: Ja, gerne. Gibt es auch Kurse?

بله با کمال میل. کلاس ها هم هست؟

+ Frau Milan: Ja, wir bieten Yoga, Pilates und Spinning an.

بله، ما یوگا، پیلاتس و اسپینینگ را ارائه می دهیم.

- Herr Meier: Wann sind die Yoga-Kurse?

کلاس های یوگا چه زمانی برگزار می شود؟

+ Frau Milan: Jeden Dienstag und Donnerstag um 18 Uhr.

هر سه شنبه و پنجشنبه ساعت 6 بعد از ظهر.

- Herr Meier: Das klingt gut. Ich probiere es aus.

این خوب به نظر می رسد. من آن را امتحان خواهم کرد.

★ نکته: تفاوت بین سه تا فعل probieren, anprobieren, ausprobieren

Probieren دو تا کاربرد داره:

1. چشیدن یک خوردنی

Möchtest du vom Kuchen probieren

میخواهی از کیک بچشی (امتحان کنی)؟

2. وقتی ممکن بودن یک چیزی و بخواهی شخصا امتحان کنی

Ich probiere auch mal, selbst einen Kuchen zu backen

منم به دفعه امتحان میکنم، خودم کیک بپزم.

anprobieren برای لباس و پوشیدنی کاربرد داره

Darf ich dieses Hemd anprobieren?

میتونم این پیرهن رو امتحان کنم؟

ausprobieren برای تست کردن یک دستگاه، فناوری کاربرد داره.

+ Frau Milan: Super! Viel Spaß beim Training.

فوق العاده! از آموزش لذت ببرید.

- Herr Meier: Danke. Bis später.

متشکرم. تا بعد.

WORTSCHATZ

معنی	واژه
باشگاه بدنسازی	Das Fitnessstudio
اطلاع کسب کردن	Sich informieren
علاقه	Das Interesse
عضو	Die Mitgliedschaft
کارت روزانه / بلیط روزانه	Die Tageskarten
ارائه دادن	anbieten
امتحان کردن	ausprobieren
تمرین	Das Training

IM BEKLEIDUNGSGESCHÄFT

15



سناریو: برای خرید لباس به یک لباس فروشی می روید. مکالمات زیر برای این موقعیت یاد بگیرید.

توجه: مکالمات در سه سطح A1, A2 و B1 انجام میشه.
سناریو 1: آقای مایر بعنوان فروشنده / خانم میلان بعنوان مشتری

A1

- Herr Meier: Guten Tag. Kann ich Ihnen helfen?

روز بخیر. آیا می توانم به شما کمک کنم؟

+ Frau Milan: Ja, bitte. Ich suche ein Kleid.

بله لطفا. من دنبال یک پیراهن زنونه هستم.

- Herr Meier: Welche Größe haben Sie?

شما چه سایزی دارید؟

+ Frau Milan: Ich habe Größe 40.

من سایز 40 هستم.

- Herr Meier: Und welche Farbe suchen Sie?

و به دنبال چه رنگی هستید؟

+ Frau Milan: Rot, bitte.

قرمز لطفا.

- Herr Meier: Einen Moment, bitte. Ich hole das Kleid für Sie.

یک لحظه، لطفا. من لباس را برای شما می آورم.

★ نکته: برای آوردن چیزی از فعل **holen** استفاده کنید.

Hier, bitte!

اینجا ، بفرمایید.

+ Frau Milan: Kann ich es anprobieren?

میتونم امتحانش کنم(پروو کردن)؟

- Herr Meier: Ja natürlich.

بله، البته.

+ Frau Milan: Wo ist die Umkleidekabine?

رختکن کجاست؟

- Herr Meier: Da drüben!

اونجا!

Passt Ihnen das Kleid?

آیا لباس به اندازه شما می‌خورد (واسه شما مناسبه)؟

+ Frau Milan: Ja es steht mir gut. Und der Schnitt gefällt mir auch.

آره بهم میاد. و من برش را هم دوست دارم.

★ نکته: برای بیان 'چیزی به کسی آمدن' از فعل **stehen** به همراه ضمیر داتیوی استفاده کن:
jmdm. stehen (Kleid usw.)

Ich möchte es kaufen.

من می‌خواهم آن را بخرم.

- Herr Meier: Super! Brauchen Sie sonst noch etwas?

عالی! آیا به چیز دیگری نیاز دارید؟

+ Frau Milan: Ja, ich möchte ein Paar rote Schuhe dazu kaufen.

بله، من می‌خواهم یک جفت کفش قرمز بخرم.

- Herr Meier: Welche Schuhgröße tragen Sie?

چه سایز کفشی می‌پوشید؟

+ Frau Milan: Ich trage Schuhgröße 39.

من سایز 39 کفش می‌پوشم.

- Herr Meier: Wie finden Sie diese Schuhe?

نظر شما در مورد این کفش‌ها چیست؟

+ Frau Milan: Die sehen gut aus. Sie gefallen mir.

خوب به نظر میرسه (ظاهرشون خوبه). من آنها را دوست دارم.

★ نکته: فعل **gefallen** به معنی 'خوش آمدن، مورد پسند بودن' به همراه یک ضمیر داتیوی میاد:
Wie gefällt dir das Bild?

از این تابلو/ عکس خوش می‌آید؟

Darf ich sie mal anziehen?

آیا می‌توانم آنها را بپوشم؟

- Herr Meier: Sicherlich. Hier, bitte sehr.

حتما. در اینجا شما بروید.

Passen Ihnen die Schuhe?

آیا کفش برای شما مناسبه (نه کوچک و نه بزرگه)؟

+ Frau Milan: Ja, sie passen mir sehr gut. Sie sind nicht zu groß und nicht so klein.

آره خیلی بهم میاد. نه خیلی بزرگ هستند و نه آنقدر کوچک.

★ نکته: اگر قبل از صفت حرف اضافه zu به کار ببری: به معنای خیلی میده (جنبه منفی داستان):

zu groß خیلی بزرگ

Ich nehme die.

من آن را خواهم گرفت.

- Herr Meier: Ausgezeichnet.

عالی.

- Herr Meier: Möchten Sie mit Karte bezahlen oder bar?

آیا می خواهید با کارت یا نقدی پرداخت کنید؟

+ Frau Milan: Ich zahle bar.

من نقدا پرداخت میکنم.

- Herr Meier: Vielen Dank. Auf Wiedersehen.

خیلی ممنون. خداحافظ

+ Frau Milan: Auf Wiedersehen

خداحافظ.

A2

سناریو: خانم میلان به همراه دوستش به فروشگاه لباس اومدن تا لباسی رو برای خودشون انتخاب بکنند.

+ Frau Milan: Sie mal, das T-Shirt.

ببین تیشرت.

- Freundin: Welches? Das braune?

کدوم؟ اون قهوه ایه؟

+ Frau Milan: Nein, das gelbe.

نه اون زرده.

- Freundin: Meinst du, das steht mir?

فکر می کنی، به من می آید؟

+ Frau Milan: Bestimmt!

حتماً!

- Freundin: Aber das passt doch nicht zu den gemusterten Rücken.

اما این با پشت طرح دار نمی آید.

★ نکته: برای بیان 'مدن به، جور آمدن با، جور بودن با، تناسب داشتن با، سازگار بودن با، خوردن به، خواندن با، تطبیق داشتن با' میبایستی فعل **passen** همراه با حرف اضافه **zu** به کار برد:

passen zu

+ Frau Milan: Stimmt, da hast du recht!

درسته، حق با توست!

Und die Hose?

و شلوار؟

- Freundin: Welche?

کدوم؟

+ Frau Milan: Die lange graue.

اون خاکستری بلنده.

- Freundin: Die sieht schick aus. Aber ich weiß nicht, ob sie passt.

او شیک به نظر می رسد. اما نمی دانم مناسب است یا نه.

* Herr Meier: Kann ich Ihnen helfen?

می توانم به شما کمک کنم؟

- Freundin: Ja, bitte. Ich möchte die graue Hose anprobieren.

بله، لطفاً. من می خواهم شلوار خاکستری را امتحان کنم (پروو کنم).

Die hier ist wahrscheinlich ein bisschen zu eng. Haben Sie vielleicht die Hose in einer Nummer größer?

این یکی احتمالاً کمی خیلی باریک است. آیا احتمالاً شلوار سایز بزرگتر دارید؟

★ نکته: برای بیان 'یک سایز بزرگتر/کوچک تر' میتوان از ترکیب زیر استفاده کرد:

einer Nummer größer/kleiner

* Herr Meier: Welche Größe suchen Sie denn?

به دنبال چه سایزی هستید؟

- Freundin: Ich habe Größe 40.

من سایز 40 هستم.

* Herr Meier: Einen Augenblick. Ich schaue mal nach.

یک لحظه. من نگاهی می اندازم.

Also, in 40 gibt es die Hose nur in Blau.

خب، در سایز 40 شلوار فقط در رنگ آبی موجود است.

★ نکته: برای بیان 'به رنگ' بایستی نام رنگ به همراه حرف اضافه in بکار برد:
in Schwarz

- Freundin: In Ordnung. Blau gefällt mir auch gut. Ich würde gerne dazu eine weiße Bluse anprobieren. Ich trage Größe M.

باشه. من رنگ آبی رو هم را دوست دارم. من می خواهم یک بلوز سفید را با آن امتحان کنم.
من سایز M میپوشم

★ نکته: قید dazu برای بیان:

dazu: zu diesem Punkt, Thema

در این باره، در این مورد، راجع به این؛ درباره آن، در مورد آن، راجع به آن؛ به آن

* Herr Meier: Gefällt Ihnen die hier, mit den kurzen Ärmeln?

این یکی با آستین کوتاه را دوست دارید؟

- Freundin: Ja, die sieht gut aus. Welches Material ist das?

بله، او ظاهر خوبی دارد. جنس این چیه؟

* Herr Meier: Das ist jetzt 100% Baumwolle.

این الان 100% پنبه است.

- Freundin: Wunderbar, ich probiere sie mal an. Wo finde ich die Anprobekabinen?

عالیه، امتحانشون میکنم. اتاق های پرو رو را از کجا می توانم پیدا کنم؟

* Herr Meier: Sie sind da, in der Ecke.

آنها آنجا هستند، او گوشه.

- Freundin: vielen Dank.

خیلی ممنون.

+ Frau Milan: Wow, die Bluse steht dir wirklich gut. Sie betont deine Figur perfekt.

وای اون بلوز واقعا بهت میاد. او تن‌تان را به‌طور کامل تاکید می‌کند (شکل شما را کاملاً برجسته می‌کند).

* Herr Meier: Wie finden Sie die Bluse?

نظر شما در مورد بلوز چیست؟

- Freundin: Sie passt mir gut und ist auch sehr bequem.

واسه من مناسبه (همه چیزش اکیه) و خیلی هم راحت است.

+ Frau Milan: Und die Hose steht dir ausgezeichnet. Wie findest du die?

و شلوارت عالیه. در مورد اون چه نظری داری؟

- Freundin: Die Hose ist ein bisschen kurz, aber sie passt gut zu der Bluse.

شلوار کمی کوتاه است، اما با بلوز ست می‌شود.

Und ich fühle mich darin auch sehr wohl.

و من هم در آن احساس راحتی می‌کنم.

★ نکته: ضمیر قیدی 'darin' به معنی:

در آن، توی آن؛ (در) داخل آن؛ [نیز:] از این نظر؛ در این مورد؛ در این زمینه

Was kostet denn die Hose?

قیمت شلوار چقدر است؟

* Herr Meier: Die ist aktuell im Angebot. Nur dreiundzwanzig Euro.

این در حال حاضر در پیشنهاد ویژه است. فقط بیست و سه یورو.

- Freundin: Und die Bluse?

و بلوز؟

* Herr Meier: Die Bluse kann man auch diese Woche zum Sonderpreis kaufen. Nur 17

Euro.

این هفته بلوز را هم می‌توانید با قیمت ویژه بخرید. فقط 17 یورو.

- Freundin: Super. Ich nehme beides. Kann man hier mit Kreditkarte bezahlen?

عالیه. من هر دو را می‌گیرم. آیا آدم می‌تواند با کارت اعتباری اینجا پرداخت کنه؟

* Herr Meier: Ja klar.

بله البته.

B1

سناریو: آقای میلان به فروشگاه لباس به منظور خرید لباس مراجعه می کند. مکالمات بین فروشنده و آقای میلان را ببینید:

- Verkäufer: Guten Tag. Willkommen in unserem Kleidungsgeschäft. Wie kann ich Ihnen behilflich sein?

سلام. به فروشگاه لباس ما خوش آمدید. چگونه می توانم به شما کمک کنم؟

+ Herr Meier: Guten Tag! Ich suche nach einem neuen Hemd für eine Hochzeit. Haben Sie eine große Auswahl?

سلام! من دنبال پیراهن جدید برای عروسی هستم. آیا تنوع زیادی دارید؟

نکته: برای بیان 'در جستجوی کسی / چیزی بودن' می توانیم از عبارت زیر استفاده کنیم: 
suchen nach

- Verkäufer: Ja, selbstverständlich! Wir haben eine große Auswahl an Hemden in verschiedenen Stilen, Farben und Größen.

البته! ما طیف گسترده ای از پیراهن ها در سبک ها، رنگ ها و اندازه های مختلف داریم.

Darf ich Ihnen einige Optionen zeigen?

آیا می توانم چند گزینه را به شما نشان دهم؟

+ Herr Meier: Ja, das wäre toll. Ich würde gerne ein weißes Hemd mit langen Ärmeln und einem klassischen Kragen anprobieren.

بله، عالی خواهد بود. من دوست دارم یک پیراهن سفید با آستین بلند و یقه کلاسیک را امتحان کنم.

Haben Sie etwas in dieser Art?

شما همچنین چیزی دارید؟

- Verkäufer: Natürlich, wir haben einige wunderschöne weiße und beige Hemden mit langen Ärmeln und klassischem Kragen.

البته ما چند پیراهن زیبای سفید و بژ با آستین بلند و یقه کلاسیک داریم.

Welche Größe tragen Sie?

چه سایزی می پوشید؟

+ Herr Meier: Ich trage normalerweise Größe M.

من معمولاً سایز M می پوشم.

- Verkäufer: Gut, ich werde nach einem Hemd in Größe M für Sie suchen.

خوب، من برای شما دنبال یک پیراهن سایز M می گردم.

Haben Sie eine bestimmte Vorliebe für den Stoff?

آیا ترجیح خاصی برای جنس/مواد دارید؟

Baumwolle oder vielleicht etwas anderes?

پنبه یا شاید چیز دیگری باشه؟

+ Herr Meier: Baumwolle ist in Ordnung. Hauptsache, es ist bequem und atmungsaktiv.

پنبه خوبه. نکته اصلی این است که راحت و قابل تنفس است.

- Verkäufer: Alles klar! Ich werde nach Hemden aus Baumwolle suchen, die sowohl bequem als auch atmungsaktiv sind.

واضح! من به دنبال پیراهن های نخی هستم که هم راحت و هم قابل تنفس باشند.

Bitte haben Sie einen Moment Geduld.

لطفاً یک لحظه صبور باشید.

+ Herr Meier: Okay danke.

اکی ممنونم.

- Verkäufer: Hier sind einige Hemden, die Ihren Anforderungen entsprechen könnten.

در اینجا چند پیراهن وجود دارد که ممکن است با نیازهای شما مطابقت داشته باشد.

Bitte probieren Sie sie an und sehen Sie, welches am besten passt.

لطفاً آنها را امتحان کنید و ببینید کدام یک مناسب تر است.

+ Herr Meier: Vielen Dank! Das sieht vielversprechend aus. Ich werde sie gleich anprobieren.

متشکرم. این واقعاً امیدوارکننده است. فوراً آنها را امتحان خواهم کرد.

Ich nehme es.

من اونو برمیدارم.

- Verkäufer: Ausgezeichnete Wahl! Kann ich Ihnen noch bei etwas anderem behilflich sein?

انتخاب عالی! آیا چیز دیگری هست که بتوانم به شما کمک کنم؟

Benötigen Sie vielleicht noch eine passende Hose oder Accessoires, um das Outfit abzurunden?

آیا برای تکمیل لباس به شلوار یا لوازم جانبی هماهنگ نیاز داشته باشید؟

+ Herr Meier: Ja, ich suche tatsächlich noch eine passende Hose. Haben Sie

Vorschläge?

بله، من در واقع هنوز به دنبال شلوارهای مناسب هستم. آیا پیشنهادی دارید؟

- Verkäufer: Natürlich! Für ein weißes Hemd könnte eine dunkelblaue oder schwarze Hose gut passen.

حتماً! شلوار آبی تیره یا مشکی می تواند به خوبی با پیراهن سفید مناسب باشد.

Möchten Sie eine klassische Anzughose oder etwas lässigeres?

آیا شلوار کت و شلوار کلاسیک می خواهید یا چیزی غیر رسمی (راحت)؟

+ Herr Meier: Ich denke, eine klassische Anzughose wäre angemessen.

فکر می کنم شلوار کلاسیک مناسب باشد.

- Verkäufer: Verstanden. Lassen Sie mich nach einer passenden Anzughose in Ihrer Größe suchen.

فهمیدم. اجازه بدهید دنبال یک شلوار کت و شلواری بگردم که متناسب با سایز شما باشد.

+ Herr Meier: Okay, danke.

باشه ممنون.

- Verkäufer: Hier ist eine schwarze Anzughose in Größe M.

اینم کت و شلوار مشکی سایز M.

Probieren Sie diese bitte zusammen mit dem Hemd an, um zu sehen, ob sie gut zusammenpassen.

لطفاً اینها را با پیراهن امتحان کنید تا ببینید به خوبی با هم ست می شوند یا خیر.

★ نکته: برای یادگیری گرامر zu um لطفاً کد زیر را اسکن کنید:



+ Herr Meier: Vielen Dank. Ich werde nun die Hose anprobieren!

متشکرم. الان شلوار رو امتحان میکنم.

- Verkäufer: Das Hemd und die Hose ergänzen sich perfekt.

پیراهن و شلوار مکمل یکدیگر هستند.

★ نکته: فعل **sich ergänzen** به معنای 'همدیگر را تکمیل کردن'.

Die Kombination steht Ihnen hervorragend. Sie sehen sehr elegant aus.

این ترکیب کاملاً به شما می آید. آنها بسیار ظریف به نظر می رسند.

+ Herr Meier: Danke für die Komplimente. Ich bin wirklich zufrieden mit der Hose und dem Hemd.

ممنون برای تمجیدها. من واقعا از شلوار و پیراهن راضی هستم.

Beide passen perfekt und gefallen mir sehr gut. Ich würde sie gerne kaufen.

هر دو کاملاً مناسب هستند و من آنها را بسیار دوست دارم. من می خواهم آنها را بخرم.

- Verkäufer: Sie haben eine großartige Auswahl getroffen. Folgen Sie mir zur Kasse, bitte.

انتخاب عالی کردی. لطفا برای تسویه حساب من را دنبال کنید(دنبالم بیایید).

WORTSCHATZ

معنی	واژه
باشگاه بدنسازی	Das Fitnessstudio
اطلاع کسب کردن	Sich informieren
علاقه	Das Interesse
عضو	Die Mitgliedschaft
کارت روزانه / بلیط روزانه	Die Tageskarten
ارائه دادن	anbieten
امتحان کردن	ausprobieren
تمرین	Das Training

برش	Der Schnitt
چیزی به کسی آمدن	stehen
یک جفت کفش قرمز	ein Paar rote Schuhe
پوشیدن	tragen
حتما	Sicherlich
به نظر رسیدن	aussehen
خوش آمدن، مورد پسند بودن	gefallen
پوشیدن	anziehen
مناسب بودن	passen
بزرگ	groß
کوچک	klein
گرفتن	nehmen
عالی	ausgezeichnet
پرداخت کردن	bezahlen
کارت	Die Karte
به صورت نقد	bar
تیشرت	das T-Shirt
قهوه ای	braun
زرد	gelb
خاکستری	grau
شیک	schick
امتحان کردن؛ پرو کردن (لباس)	anprobieren
شلوار	Die Hose
یکمی	ein bisschen
یک لحظه	Einen Augenblick
دیدن (به قصد کنترل)	nachschauen
آستین	Der Ärmel
جنس / مواد	Das Material

پنبه / نخ	Die Baumwolle
اتاق های پروو	Die Anprobekabinen
پیشنهاد	Das Angebot
قیمت ویژه	Der Sonderpreis
فروشگاه لباس	Der Kleidungsgeschäft
کمک کننده	behilflich
عروسی	Die Hochzeit
تنوع	Die Auswahl
سبک	Der Stil
مختلف	verschieden
نشان دادن	zeigen
گزینه	Die Option
بژ	Beige
معمولا	normalerweise
ماده	Der Stoff
نکته اصلی	Die Hauptsache
قابل تنفس	atmungsaktiv
الزامات	Anforderungen
مطابقت داشتن	entsprechen
کامل کردن	abrunden
کت شلوار	Die Anzughose
کلاسیک	klassisch
راحت (غیر رسمی)	lässiger
مناسب	angemessen
ترکیب	Die Kombination
عالی / درجه یک	hervorragend
راضی	zufrieden

IM VORSTELLUNGSGESPRÄCH

16



سناریو: خانم میلان با مدیر بخش منابع انسانی یک شرکت در آلمان (آقای مایر)

مصاحبه کاری دارد. مکالمه ها را ببینید:

+ Frau Milan: Guten Tag. Mein Name ist Sandra Milan.

Ich habe heute bei Ihnen einen Termin für ein Vorstellungsgespräch.

- Herr Meier: Guten Tag Frau Milan. Mein Name ist Meier. Ich bin der Ladenleiter.

Bitte nehmen Sie Platz.

Schön, dass Sie gekommen sind. Haben Sie leicht zu uns gefunden?

+ Frau Milan: Ja, es war kein Problem. Ich hatte nur Probleme, einen Parkplatz zu finden.

- Herr Meier: Ja, hier ist immer viel Verkehr und Parkplätze werden immer knapper.

Möchten Sie Wasser?

+ Frau Milan: Ja, gern.

- Herr Meier: Frau Milan, Sie haben sich bei uns als Verkäuferin beworben. Bitte erzählen Sie mal etwas über sich. Was haben Sie bisher beruflich gemacht?

+ Frau Milan: Ja. Wie Sie sehen, bin ich Spanierin, ich komme aus Spanien und habe dort die Schule besucht.

Dann habe ich eine Ausbildung als Verkäuferin gemacht. Dann habe ich erst mal drei Jahre bei meinem Onkel in einem Bio- Supermarkt gearbeitet.

- Herr Meier: Das ist sehr gut.

+ Frau Milan: Dann bin ich mit meinem Mann nach Deutschland, also nach Berlin gezogen, weil der da bessere Möglichkeiten hatte, eine Arbeit zu finden.

Mein Mann ist Bauingenieur und war nach seinem Studium arbeitslos. Als wir nach Deutschland gekommen sind, konnten wir ja kein Deutsch.

Ich habe erstmal an der Volkshochschule zwei Jahre Deutsch gelernt.

Ich habe erst den DTZ gemacht, also die B1 Prüfung. Dann habe ich noch einen Kurs besucht und die B2 Prüfung gemacht.

Schon als ich noch den Deutschkurs gemacht habe, habe ich bei einem Discounter gearbeitet.

Da habe ich erst nur die Regale eingeräumt, auf 400 Euro-Basis.

Dann, als ich die B2 Prüfung gemacht habe, bin ich dort auch richtig als Verkäuferin beschäftigt worden und ich arbeite immer noch dort.

Ja, ich bin dort auch jetzt noch beschäftigt, aber ich möchte jetzt doch gerne wechseln ...

Ich bin ja nicht unzufrieden mit meinem Arbeitsplatz.

Ich liebe es, Kunden zu beraten und mich mit ihnen zu unterhalten. Das kommt im Moment etwas zu kurz.

Ich werde von den Kunden im Moment immer nur gefragt, wo eine Ware ist. Ein richtiges Beratungsgespräch ist das nicht.

- Herr Meier: Warum haben Sie sich gerade für unsere Firma entschieden?

+ Frau Milan: Ihr Unternehmen ist ja ein Familienunternehmen. Alles ist kleiner und ich denke, Familiärer. Das finde ich gut.

Ich arbeite gerne mit Kollegen zusammen. Das mache ich zwar im Moment auch, aber bei uns wechseln oft die Kollegen und müssen in einer anderen Filiale arbeiten.

Das finde ich nicht so gut. Ich mag es Familiär.

- Herr Meier: Jetzt mal eine persönliche Frage, Frau Milan: Was würden Sie sagen, was sind Ihre Stärken?

+ Frau Milan: Wenn es stressig wird und viel los ist, damit kann nicht sehr gut umgehen.

Also wenn ich an einem neuen Arbeitsplatz bin, dann finde ich mich schnell zurecht und weiß schnell, was ich tun muss.

Wenn es stressig wird und viel los ist, damit kann nicht sehr gut umgehen.

Und mein großes Plus: Ich komme gut mit Menschen zurecht, ich kann mit Kunden gut umgehen und sie beraten.

- Herr Meier: Frau Milan, haben Sie noch Fragen an uns?

+ Frau Milan: Na ja, ist vielleicht ... Teilzeit möglich?

- Herr Meier: Ja, wir suchen eigentlich eine Vollzeitkraft, ... aber Teilzeit ist prinzipiell möglich.

Ja, ich denke, das lässt sich machen. Haben sie noch eine Frage?

+ Frau Milan: Wie lang ist denn die Probezeit?

- Herr Meier: Die Probezeit beträgt bei uns drei Monate. Sie wissen ja, die Probezeit ist für Sie und auch für uns nützlich.

- Herr Meier: Sie können sich den Arbeitsplatz genau anschauen; wenn er Ihnen nicht gefällt können Sie schnell kündigen, und wir können in der Zeit feststellen, ob Sie als Mitarbeiterin für unseren Betrieb geeignet sind oder nicht.

+ Frau Milan: Noch eine andere Frage. Kann ich mir den Künftigen Arbeitsplatz ansehen?

- Herr Meier: Ja, selbstverständlich. Kommen Sie mit.

Ich werde Ihnen unseren Laden zeigen.

WORTSCHATZ

معنی	واژه

IN DER BANK

17



سناریو: آقای مایر و دوستش خانم مولر برای افتتاح حساب به بانک مراجعه می کنند.

صحبت های این 3 نفر بینید:

+ Frau Milan: Guten Tag, was kann ich für Sie tun?

- Herr Meier: Hallo, ich möchte gerne ein Konto eröffnen.

+ Frau Milan: Hallo, sehr gerne brauchen Sie ein Girokonto oder ein Sparkonto?

- Herr Meier: Was ist der Unterschied? Was ist girokonto?

+ Frau Milan: Ein Girokonto ist ein alltägliches Konto.

Auf das man Geld einzahlen und von dem man Geld abheben kann.

- Herr Meier: Ach so, dann was ist Sparkonto?

+ Frau Milan: Ein Sparkonto ist ein konto das dafür verwendet wird.

Geld aufzubewahren und Zinsen zu verdienen.

- Herr Meier: Na ja, ich denke ein Girokonto wäre das richtige Konto für mich.

+ Frau Milan: Okay, dann brauche ich ein paar Informationen von Ihnen.

Können Sie mir bitte Ihren Namen Adresse und Geburtsdatum nennen?

- Herr Meier: Ja sicher, mein Name ist Flix Meier.

Ich wohne in Berlin und ich bin am ersten Januar 1980 geboren.

+ Frau Milan: Vielen Dank. Können Sie mir auch bitte einen Ausweis vorlegen?

- Herr Meier: Hier ist mein Personalausweis.

+ Frau Milan: Vielen Dank! Lassen Sie mich das alles kurz überprüfen.

+ Frau Milan: Alles erledigt. Hier ist Ihre Konto Information und Ihre Bankkarte.

- Herr Meier: Danke schön.

+ Frau Milan: Gern geschehen. Wenn Sie noch weitere Fragen haben, stehe ich Ihnen gerne zur Verfügung.

- Herr Meier: Nein danke! Das war alles.

+ Frau Milan: Gut, Dann wünsche ich Ihnen einen schönen Tag.

- Herr Meier: Danke Ihnen auch.

+ Frau Milan: Auf Wiedersehen.

Frau Müller

+ Frau Milan: Guten Tag, wie kann ich Ihnen helfen?

Frau Müller: Hallo, ich möchte gerne ein Sparkonto eröffnen.

+ Frau Milan: Sehr gerne, können Sie mir bitte Ihren Namen, Adresse und Einkommen nennen?

Frau Müller: Ja, sicher, mein Name ist Sofia Müller.

Ich wohne in Berlin und mein monatliches Einkommen beträgt zweitausendfünfhundert Euro.

+ Frau Milan: Vielen Dank. Können Sie mir auch bitte einen Ausweis vorlegen?

Frau Müller: Hier ist er, das ist mein Reisepass.

+ Frau Milan: Vielen Dank! Lassen Sie mich mal das alles kurz überprüfen.

Alles fertig! Ihr Sparkonto wurde erfolgreich eröffnet.

Hier ist Ihre Konto Information.

Frau Müller: Sehr gut, danke schön.

+ Frau Milan: Gern geschehen. Brauchen Sie sonst noch etwas?

Frau Müller: Nein danke! Das war alles.

+ Frau Milan: Gut, Dann wünsche ich Ihnen einen schönen Tag.

Frau Müller: Danke Ihnen auch.

ALMANIZABAN.COM

**AUF EINER PARTY
GEHEN**

19



سناریو: فرض کنید به یک مهمانی رفتید و احوال پرسى ها و جملات رایج بین آقای مایر(فلیکس) و خانم میلان(ساندرا) در مهمانی ببینید:

A1

+ Sandra: Hallo. Wie heißt du?

سلام. اسمت چیه؟

- Flix: Hallo ich heiße Flix. Und du?

سلام، اسم من فلیکس است. و تو؟

+ Sandra: Ich heiße Sandra. Wer ist das?

اسم من ساندرا است. اون کیه؟

- Flix: Das ist Marcus.

اون مارکوس است.

+ Sandra: Woher kommt er?

او از کجا می آید(اهل کجاست)؟

- Flix: Er kommt aus Deutschland.

او از آلمان می آید(او اهل آلمانه).

+ Sandra: Wie geht es euch?

شماها چطورید؟

- Flix: Gut, danke, und dir?

خوبیم، متشکرم، و تو؟

+ Sandra: Sehr gut, danke.

خیلی خوبم، ممنون.

- Flix: Sandra, wie alt bist du?

ساندرا، چند سالته؟

+ Sandra: Ich bin 26 Jahre alt.

من 26 ساله هستم.

- Flix: Welche Sprache sprichst du?

به چه زبانی صحبت می کنی؟

+ Sandra: Ich spreche Deutsch, Englisch und ein bisschen Französisch und Spanisch.

من آلمانی، انگلیسی و کمی فرانسوی و اسپانیایی صحبت می کنم.

- Flix: Wo wohnst du?



کجا زندگی می کنی؟

+ Sandra: Ich wohne in Hamburg.

من در هامبورگ زندگی می کنم.

Un wo wohnt ihr?

و شماها کجا زندگی می کنید؟

- Flix: Wir wohnen in München.

ما در مونیخ زندگی می کنیم.

+ Sandra: Wo bist du geboren?

کجا بدنیا اومدی؟

- Flix: Ich bin in London geboren.

من در لندن به دنیا آمدم.

Ich muss leider gehen.

متأسفانه باید برم

Es ist nett, dich kennenzulernen.

از آشنایی با تو خوشحالم.

+ Sandra: Ja, du bist sehr nett.

آره، تو خیلی خوبی.

Tschüss.

خدانگهدار.

- Flix: Danke, du auch.

از شما هم متشکرم.

IM SUPERMARKT

21

سناریو: فلیکس و ساندرا به سوپرمارکت می روند. صحبت های این دو شخص در سوپرمارکت با فروشنده بشنوید:

نکته: جملات پیشنهادی رو در هر مکالمه واستون نوشته شده که میتونین در مکالماتتون استفاده کنیند.

+ Sandra: Guten Tag.

- Verkäuferin: Guten Tag. Wie kann ich Ihnen helfen?/ Was kann ich für Sie tun?

روز بخیر. چگونه می توانم به شما کمک کنم؟/ چه کاری می توانم برای شما انجام دهم؟

+ Sandra: Ich brauche Schinken, bitte / Ich hätte gern Schinken, bitte / Ich möchte Schinken, bitte.

من به ژامبون نیاز دارم، لطفا / من ژامبون می خواهم ، لطفا / من ژامبون می خواهم ، لطفا.

- Verkäuferin: Nehmen Sie ein ganzes Stück Schinken oder nehmen Sie den Schinken geschnitten?

آیا از یک تکه کامل ژامبون می خواهید یا از ژامبون ورقه شده می خواهید(انتخاب می کنید)؟

+ Sandra: Geschnitten, bitte.

بریده شده لطفا(تکه تکه شده) لطفا.

- Verkäuferin: Wie viel? 200 Gramm?

+ Sandra: Nein, das ist zu viel.

+ Sandra: Bitte, 100 Gramm Schinken und auch noch 100 Gramm Speck.

- Verkäuferin: Hier bitte. Ist das alles?

+ Sandra: Wir haben heute Abend Besuch. können Sie mir etwas empfehlen

- Verkäuferin: Wir haben ein gutes Stück Fleisch im Sonderangebot. Es kostet 20% weniger.

+ Sandra: Gut. Das nehme ich.

- Verkäuferin: Für wie viele Personen kochen Sie?

+ Sandra: Vier Erwachsene und ein Kind.

- Verkäuferin: Hier bitte. Darf es sonst noch etwas sein?

+ Sandra: Nein danke. Das ist alles.

- Verkäuferin: Das macht 56 franken bitte

das macht 56 franken bitte

bezahlen sie bei

der mieter karte

bezahlen sie bar

mit der karte



mit karte bitte

mit karte bitte

vielen dank hier noch ihre quittung

vielen dank hier noch ihre quittung

kann ich bitte noch einen plastiksack

haben

kann ich bitte noch einen plastiksack

haben

ja sicher



hier bitte

ja sicher

hier bitte

ich wünsche ihnen einen schönen tag und

ein gutes abendessen mit ihrem besuch

ich wünsche ihnen einen schönen

und ein gutes abendessen mit ihrem

besuch

vielen dank auf wiedersehen vielen dank



auf wiedersehen

wohl biete einen einkaufswagen

wohl biete einen einkaufswagen daniel

oh ich habe keinen

münster bei

ich habe

münster bei

hast du einen franken damit ich den

wagen holen kann

hast du einen franken damit ich den

wagen holen kann

ja hier

was kaufen wir alles ein

was kaufen wir alles ein

ich habe eine einkaufsliste gemacht

ich habe eine einkaufsliste gemacht

gehen wir zuerst zur fruchte und

gemüseabteilung



gehen wir zuerst zur fruchte und

gemüseabteilung

also wir brauchen bananen äpfel und

orangen

also wir brauchen bananen äpfel und

orangen

hier bitte

hier bitte

daniel nicht nur einen apfel eine banane



und eine orange

daniel nicht nur einen apfel eine banane

und eine orange

wir brauchen davon je circa 1 kilo

[Musik]

wir brauchen davon je circa 1 kilo

oh ja ich hole mehr

oh ja ich hole mir

jetzt brauchen wir noch einen broccoli



je eine rote gelbe und grüne paprika

zwiebeln und kartoffeln

jetzt brauchen wir noch einen brokkoli

je eine rote gelbe und grüne paprika

zwiebeln und kartoffeln

eine zwiebel und eine kartoffel

eine zwiebel und eine kartoffel

dom cobb

natürlich nicht



dummkopf

natürlich nicht

nimmt ca

zwiebeln und ein kilogramm kartoffeln

nimmt circa fünf zwiebeln und ein

kilogramm kartoffeln

es gibt schon einen abgepackten sack

kartoffeln

schau doch es gibt schon einen



abgepackten sack kartoffeln

los gehen wir weiter

los gehen wir weiter

ich möchte ein neues rezept für kekse

ausprobieren

ich möchte ein neues rezept für kekse

ausprobieren

wir brauchen dazu 5 500 gramm mehl 500

gramm zucker und eine tafel schokolade



wir brauchen dazu 5 500 gramm mehl 500

gramm zucker und eine tafel schokolade

guten tag

guten tag wie kann ich ihnen

üblich seien

guten tag wie kann ich ihnen

ich sein

ich habe heute diesem k

gekauft



[Musik]

ich habe heute die

ein käse gekauft

er ist aber schon über dem verfallsdatum

er ist aber schon über dem verfallsdatum

das sollte nicht passieren

das sollte nicht passieren

das tut uns leid haben sie noch die

quittung



das tut uns leid haben sie noch die

quittung

ja hier vielen dank

hier ist das geld

vielen dank

hier ist das geld

entschuldigen sie die umstände

entschuldigen sie die umstände

kein



leben

auf wiedersehen

kein

auf wiedersehen

auf wiedersehen

hast du eine frage schreibt eine frage

in die kommentare

wir werden sie beantworten

hast du eine frage schreibt eine frage



in die kommentare wir werden sie

beantworten

möchtest du gratis online deutsch lernen

mehr als 200 video lektionen abonniere

unseren kanal möchtest du gratis online

deutsch lernen mehr als 200 video

lektionen abonniere unseren kanal

ALMANIZABAN.COM

IN DER APOTHEKE

22

ALMANIZABAN.COM

آر ایف ڈی

23



ALMANIZABAN.COM



HAUSPUTZ

24

برای نظافت کردن خانه افعالی وجود داره که می توانیم با هم در جملات زیر یاد بگیریم:

Heute putze ich die Wohnung.

امروز من آپارتمان تمیز میکنم.

Ich putze das Bad.

من حمام تمیز میکنم.

Mein Mann wäscht das Auto.

همسرم اتومبیل میشوره.

Die Kinder putzen die Fahrräder.

بچه ها دوچرخه هارو تمیز میکنن.

Meine Oma gießt die Blumen.

مادربزرگم گل هارو آب میده.

Die Kinder räumen das Kinderzimmer auf.

بچه ها اتاق تمیز میکنند.

Mein Mann wäscht das Auto.

همسرم اتومبیل میشوره.

Mein Mann räumt seinen Schreibtisch auf.

همسرم میزشو تمیز میکنه.

Ich stecke die Wäsche in die Waschmaschine.

من لباس هارو درون ماشین لباسشویی میزارم.



ALMANIZABAN.COM



ALMANIZABAN.COM